یک‌شنبه
۱۲ مهر ۱۴۰۵
۲۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸
۴ اکتبر ۲۰۲۶

سال دوم
قیمت: ۱۰هزارتومان

شماره
۶۵۴

www.Agaah.ir

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

آگاه

آگاه باشید؛ تا قله راهی نیست!

رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور از موافقت «شعام» با برگزاری انتخابات شوراها خبر داد

انتخابات شوراها؛ رقابت در سایه اتحاد

۲



«آگاه» در گزارشی به بررسی مواضع سخنگوی ارتش و بیانیه وزارت دفاع پرداخت

معادله جدید قدرت

۲

چرا با وجود ادعای عبور نفت از تنگه هرمز قیمت‌ها سقوط نمی‌کنند؟

معمای ایرانی

۳

هزینه خوراکی دانش‌آموزان گران‌تر از همیشه

یک زنگ تفریح نصف مزد یک روز

۷



افتتاح پایگاه آموزش جان‌فدا در میدان هفتم تیر تهران

جان‌فدایان در میدان آموزش ارتش

۶

موفقیت در میدان ناگویا سکوی پیشرفت ورزش باشد



رضا ظریفی
دبیر تحریریه

پایان بیستمین دوره رقابت‌های آسیایی ناگویا در ژاپن، با کسب رتبه ششم برای ایران و ۱۹ مدال طلا، ۱۸ نقره و ۱۵ برنز، دستاوردی فراتر از جمع مدال‌هاست. این نتیجه نشان می‌دهد ورزشکاران ایرانی، با وجود دشواری‌های اقتصادی، محدودیت‌های بین‌المللی و شرایط دشوار کشور، توانسته‌اند در میدان رقابتی بزرگ، جایگاهی قابل توجه به دست آورند و حتی به نوعی برترین تیم غرب آسیا شوند. کسب این رتبه نشان می‌دهد که کاروان ورزشی ایران با رشد ۴۶ درصدی در صید مدال طلا نسبت به دوره قبلی این رقابت‌ها در هانگژو، از رتبه هفتم به ششم رسیده است، آن هم در شرایطی که کشور با مشکلاتی چون جنگ و برخوردهای نظامی و سختی‌های اقتصادی برای مردم روبه‌روست. از سوی دیگر اهمیت واقعی چنین موفقیتی زمانی روشن می‌شود که آن را نه پایان راه، بلکه فرصتی برای بررسی توانایی‌ها، کاستی‌ها و آینده ورزش کشور بدانیم.

روی دیگر کسب افتخارات ورزشی، روحیه مثبت و انرژی خوبی است که در جامعه به وجود می‌آورد. صید مدال‌های رنگارنگ ورزشی، احساس افتخار ملی را در میان اقشار مختلف جامعه تقویت می‌کند. هر حرکت خوب یک قهرمان ورزشکار، میلیون‌ها حرکت خوب را در جامعه تکثیر می‌کند و او را به الگویی برای نسل جوان تبدیل می‌سازد. به عبارت دیگر ورزش تجربه‌ای مشترک فراهم می‌کند؛ تفاوت‌های سیاسی، قومی و نسلی برای مدتی کنار می‌روند و توجه‌ها به تلاش جمعی معطوف می‌شود.

مدال‌ها در روزهای برگزاری مسابقه به دست می‌آیند، اما زمینه‌ساز آنها سال‌ها تمرین، تلاش مربیان، پشتیبانی خانواده‌ها و فعالیت مجموعه‌ای از نهادهای ورزشی است. در عین حال، نباید از دشواری‌های بیرونی غافل شد. تحریم، محدودیت سفر و دشواری دسترسی به تجهیزات و اردوهای بین‌المللی موانع واقعی‌اند؛ اما ارزیابی منصفانه باید با کیفیت برنامه‌ریزی، مدیریت فدراسیون‌ها، امکانات تمرینی و شیوه پرورش استعدادها صورت گیرد. از سوی دیگر پیروزی ورزشکاران یادآور این نکته است که توانمندی ملی تنها به منابع مالی و امکانات گسترده وابسته نیست؛ انضباط، پشتکار و اعتماد به نفس نیز در نتیجه نقش دارند. با این حال، نباید از ورزشکاران انتظار داشت که به‌تنهایی بار امید و اعتبار کشور را بر دوش بکشند. تحسین قهرمانان وقتی معنای عمیق‌تری پیدا می‌کند که با پشتیبانی واقعی همراه باشد؛ پرداخت به‌موقع پاداش‌ها، تامین بیمه و خدمات درمانی، فراهم کردن امکانات تمرین و ایجاد فرصت شغلی و تحصیلی برای ورزشکاران.

اما رتبه‌ای که ایران در این دوره از رقابت‌های آسیایی کسب کرد بر این مسئله تاکید دارد که برنامه‌ریزی ورزشی برای آینده باید از آنچه هست، فراتر برود. لازم است نتایج هر رشته، فاصله با رقیبان، کیفیت آماده‌سازی و میزان دسترسی ورزشکاران به امکانات به‌صورت تخصصی بررسی شود. سرمایه‌گذاری هوشمندانه یعنی منابع محدود به شکل متوازن و بر اساس نیاز و ظرفیت هر رشته تخصیص یابد؛ نه آنکه تنها رشته‌های مدال‌آور شناخته شده از حمایت برخوردار شوند. شناسایی استعدادها در مدارس و شهرهای کوچک، آموزش مربیان، تقویت ورزش پایه و توسعه زیرساخت‌های محلی می‌تواند پشتوانه نسل بعدی قهرمانان باشد. همچنین، توسعه ورزش زنان باید بخشی جدایی‌ناپذیر از برنامه ملی باشد. موفقیت دختران ایرانی در میدان‌های آسیایی نشان می‌دهد که فراهم کردن فرصت و پشتیبانی، ظرفیت‌های بزرگی را آشکار می‌کند.

برای ادامه افتخارات در میادین جهانی، حضور در رقابت‌های آسیایی باید سکوی یادگیری باشد. اگرچه دستاورد رقابت‌های «ناگویا» مایه افتخار است، اما ارزش ماندگار آن به تصمیم‌هایی بستگی دارد که پس از پایان مسابقات گرفته می‌شود. اگر این موفقیت به سرمایه‌گذاری در ورزش پایه، حمایت از همه ورزشکاران، مدیریت کارآمد و فرصت‌های برابر تبدیل شود، رتبه ششم نه نقطه‌ای در جدول، بلکه آغازی برای پیشرفت خواهد بود.

قادری در گفت‌وگو با «آگاه» مطرح کرد

افزایش عرضه ارز؛ سیاست نامطلوب

تامین ارز در شرایط فعلی یکی از اولویت‌های مهم اقتصاد کشور به شمار می‌رود و مدیریت منابع ارزی می‌تواند نقش قابل توجهی در ثبات بازار و تامین نیازهای اقتصادی داشته باشد. در این شرایط، دولت لازم است با اتخاذ سیاست‌های موثر و هماهنگ، زمینه افزایش دسترسی به منابع ارزی و مدیریت بهتر جریان ورود و خروج ارز را فراهم کند. استفاده از ظرفیت‌های موجود و کاهش موانع پیش روی تامین ارز می‌تواند به تقویت ثبات اقتصادی کمک کند. یکی از ظرفیت‌های قابل توجه، ارزهای موجود در خارج از چرخه رسمی اقتصاد است که بخشی از آن در اختیار خانوارها قرار دارد. ایجاد سازوکارهای شفاف، جذاب و قابل اعتماد برای بازگشت ارز خانگی به چرخه اقتصادی می‌تواند به افزایش عرضه ارز کمک کند. در کنار آن، تسهیل فرآیندهای رسمی عرضه و مبادله ارز و ایجاد اطمینان برای دارندگان منابع ارزی، از جمله اقداماتی است که می‌تواند مشارکت مردم را در این فرآیند افزایش دهد. از سوی دیگر، بازگشت ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصادی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا درآمدهای صادراتی یکی از منابع اصلی تامین ارز کشور محسوب می‌شود. در این زمینه، سیاست‌گذاری باید به گونه‌ای باشد که ضمن حفظ انگیزه صادرکنندگان، بازگشت ارز صادراتی را تسهیل و شفاف کند. در مجموع، استفاده همزمان از ظرفیت ارزهای خانگی، ارز حاصل از صادرات و سایر منابع ارزی، در کنار سیاست‌های منسجم و اعتمادساز، می‌تواند به مدیریت بهتر بازار ارز و تامین نیازهای ارزی اقتصاد کشور کمک کند. درباره کم و کیف سیاست گذاری مجلس پیرو راهکارهای تامین ارز در کشور با جعفر قادری، عضو کمیسیون اقتصادی و حمایت از تولید مجلس شورای اسلامی به گفت‌وگو نشسته‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

■ گفته می‌شود که یکی از عمده چالش‌های اقتصاد ایران، چالش منابع ارزی است. از نظر شما چه رویکردی باید برای بازگرداندن منابع ارزی به چرخه اقتصاد در پیش گرفته شود؟

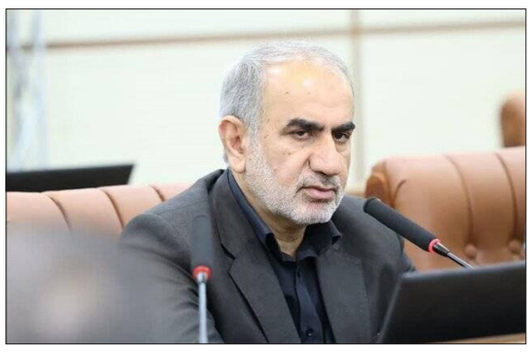
کمبود منابع ارزی عمده‌ترین چالش اقتصاد ایران نیست، بلکه بخش قابل توجهی از ارز موجود، به دلایل مختلف از چرخه رسمی اقتصاد خارج شده و به صورت ارز خانگی، پس انداز احتیاطی یا دارایی‌های غیرمولد نگهداری می‌شود. در چنین شرایطی، سیاست‌گذاری باید به‌گونه‌ای باشد که ضمن حفظ قدرت خرید صاحبان ارز، انگیزه لازم برای ورود این منابع به چرخه تولید و سرمایه‌گذاری فراهم شود. مجلس شورای اسلامی در سال‌های اخیر و به‌ویژه در قالب اصلاح قوانین مرتبط با تامین مالی تولید و زیرساخت‌ها، مجموعه‌ای از ابزارها را در همین راستا دنبال کرده است.

■ کمی درباره این راهکارهای قانونی بگویید؛ آیا موثر بوده است؟

یکی از محورهای مورد توجه، ایجاد امکان افتتاح حساب و سپرده ارزی برای سرمایه‌گذاران، به‌ویژه سرمایه‌گذاران خارجی، است. سرمایه‌گذار خارجی زمانی منابع خود را وارد کشور می‌کند که نسبت به حفظ ارزش سرمایه و امکان بازگشت یا بهره‌مندی از منافع آن اطمینان داشته باشد. بر همین اساس، پیش‌بینی سپرده‌گذاری ارزی، پرداخت سود ارزی و در عین حال پذیرش این سپرده‌ها به عنوان وثیقه تسهیلات ریالی، می‌تواند یک ابزار مهم برای کاهش ریسک سرمایه‌گذاری باشد. به این ترتیب، سرمایه‌گذار می‌تواند ارز خود را در کشور نگهداری کند، از آن سود ارزی دریافت کند و در مقابل، با استفاده از همان سپرده به عنوان وثیقه، تسهیلات ریالی دریافت کند. این سازوکار عملا نگرانی سرمایه‌گذار از کاهش ارزش پول ملی را کاهش می‌دهد و در عین حال، منابع ارزی را به جای خروج از کشور یا نگهداری غیرفعال، در اختیار نظام تامین مالی قرار می‌دهد.

■ برای جذب ارزهای خانگی چه ابزارهایی می‌توان طراحی کرد؟

طراحی و توسعه صندوق‌های با درآمد ثابت ارزی می‌تواند برای جذب ارزهای نگهداری شده در منازل و خارج از چرخه اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد. بخش قابل توجهی از خانوارها، در شرایط تورمی، ارز را به عنوان وسیله‌ای برای حفظ قدرت خرید خود نگهداری می‌کنند. راه حل این مسئله صرفا برخورد یا محدودیت نیست؛ بلکه باید یک گزینه مطمئن و اقتصادی در مقابل نگهداری فیزیکی ارز قرار داد. صندوق‌های ارزی با درآمد ثابت می‌توانند این امکان را فراهم کنند که صاحب ارز، ضمن سپرده‌گذاری منابع خود در یک ابزار رسمی و قابل نظارت، سود ارزی دریافت کند و همزمان اصل سرمایه خود را نیز به صورت ارزی حفظ کند. بدین ترتیب، ارزهای خانگی می‌توانند از یک دارایی غیرفعال به منبع تامین مالی تولید و سرمایه‌گذاری تبدیل شوند.



■ برای هدایت ارز گردشگران، بازرگانان و سرمایه‌گذاران خارجی به شبکه رسمی اقتصادی چه اقدامی باید انجام شود؟

یکی دیگر از اقدامات مورد تاکید مجلس در زمینه ارز، تسهیل دسترسی گردشگران، بازرگانان و سرمایه‌گذاران خارجی به نظام بانکی کشور است. بر این اساس، باید امکان افتتاح حساب ریالی برای این گروه‌ها از زمان ورود به کشور فراهم شود تا بتوانند ارز همراه خود را به شبکه رسمی عرضه کرده و معادل ریالی آن را در حساب بانکی خود دریافت کنند. این اقدام دو اثر همزمان دارد: نخست، منابع ارزی وارد شده به کشور را به شبکه رسمی اقتصادی هدایت می‌کند و دوم، استفاده از ابزارهای بانکی و پرداخت رسمی را برای اتباع و سرمایه‌گذاران خارجی تسهیل می‌کند. در نتیجه، به جای آنکه ارز وارد شده به کشور در خارج از شبکه رسمی گردش کند، وارد چرخه بانکی و اقتصادی خواهد شد.

■ انتشار اوراق بهادار ارزی چه نقشی در تامین مالی دارد؟

مجلس همچنین موضوع انتشار اوراق بهادار ارزی را به عنوان یکی از ابزارهای تامین مالی دنبال کرده است. فلسفه این ابزار آن است که پروژه‌ها و بنگاه‌هایی که درآمد ارزی دارند، بتوانند بخشی از نیاز مالی خود را از محل منابع ارزی تامین کنند و سرمایه‌گذاران نیز به جای نگهداری ارز به صورت فیزیکی، در یک ابزار مالی رسمی سرمایه‌گذاری کنند. این موضوع به‌خصوص برای طرح‌های صادرات‌محور اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا بازپرداخت تعهدات ارزی آنها می‌تواند از محل درآمدهای ارزی پروژه انجام شود.

■ اوراق ریالی قابل تبدیل به ارز برای پروژه‌های صادراتی چگونه می‌تواند به تامین مالی کمک کند؟

در اصلاحات مرتبط با قانون تامین مالی تولید و زیرساخت‌ها، یکی از ایده‌های مهم، فراهم کردن امکان انتشار اوراق ریالی قابل تبدیل به ارز برای طرح‌هایی است که محصولات و درآمدهای صادراتی دارند. این ابزار می‌تواند یک پیوند میان منابع ریالی داخل کشور و درآمدهای ارزی آینده ایجاد کند. سرمایه‌گذار با خرید اوراق ریالی قابل تبدیل به ارز به نرخ زمان خرید و قابل تحویل اصل و سود به ارز در زمان سررسید، امکان بهره‌مندی از یک دارایی مرتبط با ارز را خواهد داشت و بنگاه تولیدی نیز می‌تواند منابع مورد نیاز خود را برای توسعه ظرفیت تولید و صادرات تامین کند.

■ چه مشوق‌هایی برای جلوگیری از نگهداری غیرفعال منابع ارزی و هدایت آنها به اقتصاد رسمی در قانون در نظر گرفته شده است؟

یکی دیگر از موضوعاتی که در اصلاحات قانونی مورد توجه قرار گرفته، ایجاد مشوق مالیاتی برای منابع ارزی است که به جای نگهداری غیرفعال، وارد چرخه رسمی اقتصاد می‌شوند. هدف این است که واحدهای تولیدی و صاحبان منابع ارزی تشویق شوند ارزهای مازاد خود را در خارج از چرخه غیررسمی نگهداری نکنند، بلکه آن را به ابزارهای رسمی مانند سپرده‌های ارزی، اوراق مرابحه ارزی و سایر ابزارهای مالی تبدیل کنند و منابع حاصل را در مسیر سرمایه‌گذاری، خرید تجهیزات، توسعه تولید یا تامین مالی قرار دهند. معافیت مالیاتی سود حاصل از تسعیر نرخ ارز در این فرآیند، در واقع نوعی مشوق برای انتقال ارز از دارایی غیرفعال به دارایی مولد است.

■ انتشار اوراق سلف ارزی چه کاربردی در تامین مالی بنگاه‌ها دارد؟

صدور مجوز انتشار اوراق سلف ارزی نیز از دیگر ابزارهایی است که در این مجموعه سیاست‌ها دنبال می‌شود. این ابزار می‌تواند امکان تامین مالی بنگاه‌هایی را که تولید و فروش آینده آنها ماهیت ارزی دارد فراهم کند و در عین حال، گزینه‌ای برای سرمایه‌گذاری ارزی در اختیار مردم قرار دهد.

■ برای جذب منابع ارزی خارجی توسط بخش غیردولتی چه سازوکاری می‌توان در نظر گرفت؟

در صورتی که اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی بتوانند در داخل یا خارج، از منابع ارزی خارجی برای تولید و صدور کالاها و خدمات استفاده کنند، می‌توانند برای استفاده از منابع ارزی خارجی از تضمین‌های دولتی و شرکت‌های دولتی استفاده کنند.

■ مجموعه این راهکارها در نهایت چه هدفی را دنبال می‌کند؟

مجموع این اقدامات یک هدف مشترک را دنبال می‌کند؛ تبدیل ارز از یک ابزار صرفا حفاظتی و راکد به یک ابزار تامین مالی مولد. اگر مردم برای حفظ قدرت خرید خود ارز نگهداری می‌کنند، باید ابزار مالی ایجاد شود که ضمن حفظ ارزش ارزی دارایی آنها، سود نیز ایجاد کند. اگر سرمایه‌گذار خارجی نگران کاهش ارزش پول ملی است، باید امکان نگهداری سپرده ارزی، دریافت سود ارزی و استفاده از آن به عنوان وثیقه تسهیلات ریالی را داشته باشد. اگر بنگاه تولیدی درآمد صادراتی دارد، باید بتواند از آینده درآمد ارزی خود برای تامین مالی امروز استفاده کند. بنابراین، سیاست ارزی مطلوب صرفا سیاستی برای افزایش عرضه ارز نیست؛ بلکه سیاستی است برای افزایش اعتماد به ابزارهای رسمی، کاهش انگیزه نگهداری ارز در منازل، جذب سرمایه خارجی، تامین مالی تولید و هدایت منابع ارزی به سمت فعالیت‌های مولد و صادرات‌محور. بخشی از این موارد در قالب قوانین و مقررات موجود پیش‌بینی شده و بخشی دیگر در کمیسیون‌های تخصصی مجلس مصوب شده و آماده برای طرح در صحن علنی است. نقطه مشترک همه آنها نیز این است که به جای مقابله صرف با رفتارهای احتیاطی مردم، باید برای صاحب ارز یک گزینه رسمی، مطمئن، سودآور و مولد ایجاد کرد؛ گزینه‌ای که هم قدرت خرید صاحب منابع را حفظ کند و هم منابع ارزی کشور را در خدمت سرمایه‌گذاری و رشد تولید قرار دهد.



سرلشکر وحیدی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی:
فراجانمادپلیس مقتدرو متکی به پشتوانه مردمی است

یکشنبـه/ ۱۲ مهر ۱۴۰۵/ شماره ۶۵۴

گزارش «آگاه» درباره تلاش نمایندگان برای استیضاح می‌دری را بخوانید
استیضاح، مُسکن موقت مجلس

چند روزی است موضوع استیضاح احمید می‌دری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی سوژه رسانه‌ها شده است و حتی کار به جایی رسید که رئیس‌جمهور پزشکیان و اعضای دولت نسبت به آن در جلسه هیات دولت (چهارشنبه هفته گذشته) واکنش نشان دادند.

استیضاح وزیر تعاون، تقابل دو نگاه است؛ نگاهی که تغییر چهره‌ها را راه حل می‌بیند و نگاهی که معتقد است استیضاح، دردی را دوا نمی‌کند. تجربه استیضاح وزیر اقتصاد سابق حکایت از آن دارد، تغییر شخص بدون تغییر ساختارها، لزوما منجر به کاهش مشکلات نمی‌شود. در واقع، استیضاح شاید فشار افکار عمومی را موقت کم کند، اما درمان واقعی در تغییر رویه و اصلاح ساختارهاست، نه جابه‌جایی صندلی‌ها زیرا با خروج افراد، وزیر جدید با همان ابزارهای قبلی روبه‌رو می‌شود.

تحرکات مجلس از عزم نمایندگان برای استیضاح خبر می‌دهد. عباس گودرزی، سخنگوی هیات‌رئیسه مجلس شورای اسلامی، از وصول گزارش کمیسیون اجتماعی درباره استیضاح احمد می‌دری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در هیات‌رئیسه مجلس خبر داد و اظهار کرد: «گزارش کمیسیون اجتماعی در خصوص استیضاح وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به هیات‌رئیسه مجلس ارسال شده است.» وی گفت: موضوع بررسی، پیگیری و تصمیم‌گیری در خصوص استیضاح‌های انجام شده توسط نمایندگان جزو دستورکارهای این هفته هیات‌رئیسه مجلس شورای اسلامی است و هیات‌رئیسه مجلس در این خصوص تصمیم‌گیری خواهد کرد و نتایج حاصله را به سمع و نظر مردم عزیز خواهیم رساند.

خبر وصول گزارش استیضاح وزیر تعاون به هیات‌رئیسه مجلس با علامت سوال روبه رو می‌شود؛ «آیا تغییر دادن یک وزیر، گره‌های اقتصادی و اجتماعی مردم را باز می‌کند؟»

از یک سو، دولت معتقد است استیضاح، درد را دوا نمی‌کند و تغییر وزرا، نتیجه‌ای ندارد. از سوی دیگر، مجلس استیضاح را ابزاری برای بهبود وضعیت موجود می‌بیند. در همین رابطه، علیرضا سلیمی، عضو کمیسیون صنایع و معادن می‌گوید: «قرار نیست دائم به به و چه‌چه به دولت بگوییم و باد دولت را فقط بزنیم؛ استیضاح را کمک به دولت می‌دانیم.» اما برای پاسخ به این پرسش که آیا استیضاح موثر است یا خیر، باید تجربه‌های قبل مورد توجه قرار گیرد.

اگر به عقب برگردیم و استیضاح عبدالناصر همتی، وزیر اقتصاد سابق را بررسی کنیم، پی می‌بریم خروج او از ساختمان باب همایون، لزوما منجر به کاهش مشکلات اقتصادی یا تغییر در روند تورم و رکود نشد. چرا؟ چون مشکلات اقتصادی، ریشه در ساختارها دارد، نه فقط در شخص وزیر. وقتی ساختار تغییر نکند، هر وزیری که روی صندلی بنشیند، با همان ابزارها مواجه می‌شود و در نهایت، نتیجه برای مردم تغییر چندانی نمی‌کند. در شرایط فعلی، استیضاح وزیر تعاون را از دو دریچه می‌توان بررسی کرد؛ نخست آنکه شاید پیامی باشد به دولت که باید سرعت عمل بیشتری به خرج دهد که در این حالت، استیضاح نه برای حذف شخص، برای بیدار کردن دولت است.

عامل دوم، مجلس تمام‌قد به دنبال استیضاح است. تغییر وزیر در میانه راه، می‌تواند باعث ایجاد خلأ مدیریتی شود. هر وزیر جدیدی نیاز به زمان دارد تا با محیط سازگار شود و برنامه‌هایش را پیش ببرد. ضمن آنکه در شرایطی که هنوز وزرای دفاع و اطلاعات مشخص نشده‌اند، استیضاح و خروج وزیر از کابینه هم پالس مثبتی نخواهد داشت.

استیضاح، داروی سریع اما کوتاه‌مدت است. تغییر وزرا شاید برای مدتی فشار افکار عمومی را کم کند، اما درمان واقعی، در تغییر رویه و اصلاح ساختارهاست. اگر استیضاح به جای اینکه راهی برای تغییر چهره‌ها باشد، به فرصتی برای بازنگری در سیاست‌های وزارت تعاون تبدیل شود، مفید خواهد بود. در غیر این صورت، تکرار تجربه وزیر اقتصاد نشان می‌دهد که تغییر صندلی‌ها، بدون تغییر نقشه راه، تنها یک جابه‌جایی ساده است که گره‌ای از مشکلات مردم باز نمی‌کند.

رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور از موافقت «شعام» با برگزاری انتخابات شوراها خبر داد
انتخابات شوراها؛ رقابت در سایه اتحاد



مسیر برگزاری انتخابات شوراها با موافقت شورای عالی امنیت ملی (شعام) هموارشد. نکته کلیدی این است که احتمالا انتخابات سراسری برگزار نشود به گونه‌ای که زمان برگزاری انتخابات در هر شهر، بر اساس میزان آمادگی زیرساختی آن منطقه نهایی شود. اجرای برگزاری «انتخابات تناسبی» در تهران، به عنوان یکی از محورهای کلیدی و اثرگذار در توزیع کرسی‌های شورا مطرح و موجب شکل‌گیری دیدگاه‌های متفاوت میان موافقان و مخالفان، به ویژه در میان اعضای فعلی شورا شده است. البته هدف نهایی، برگزاری انتخاباتی است که در عین رقابت‌پذیری، منجر به حفظ و تقویت انسجام ملی شود.

به گزارش «آگاه» روز گذشته (شنبه) تعدادی از اعضای کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور در گفت‌وگو با رسانه‌های رسمی از تاریخ برگزاری انتخابات هفتمین دوره شوراهای شهر و روستا خبر داده بودند؛ علی کشوری، سخنگوی هیات مرکزی نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی با یادآوری اینکه با پیگیری ستاد انتخابات و هیات مرکزی نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی، تاریخ پیشنهادی اولیه مهر بود که با توجه به حوادث دیگر، برگزار نشد و شورای عالی امنیت ملی اعلام کرد: دو ماه پس از پایان جنگ، انتخابات برگزار شود، گفت: در ادامه پیگیری‌ها در نهایت قرار شد، نیمه اول آبان در یکی از روزهای هشتم یا پانزدهم آبان، انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا برگزار شود. وی در تشریح فرآیند برگزاری انتخابات؛ گفت: در برخی مناطق کشور، ممکن است امکان برگزاری انتخابات نباشد و به این ترتیب، احتمال می‌رود انتخابات به صورت سراسری نباشد، اما سازوکار اجرایی و نظارتی متفاوتی خواهد داشت. برهمین اساس مقرر شد وزارت کشور و نهادهای مرتبط، مناطقی که امکان برگزاری انتخابات نیست را مشخص کند و در سایر مناطق، برگزار شود.

علاوه بر سخنگوی هیات، رئیس هیات مرکزی نظارت بر انتخابات نیز موضع‌گیری کرد و گفت: مجوز شورای عالی امنیت ملی، برای برگزاری انتخابات شوراها صادر شده است. ما هفته گذشته جلسه‌ای با ستاد انتخابات کشور داشتیم. با توجه به شرایط فعلی کشور، وضعیت برگزاری انتخابات در مناطق مختلف متفاوت است؛ برخی شهرها و مناطق (از جمله برخی مناطق جنوبی) ممکن است آمادگی لازم را برای برگزاری انتخابات نداشته باشند و برخی مناطق، آمادگی لازم را داشته باشند. بر همین اساس، مقرر شد وزارت کشور به طور رسمی اعلام کند که کدام شهرها شرایط برگزاری را دارند و کدام شهرها فاقد آن هستند.

محمدصالح جوکار با بیان اینکه بازه زمانی برگزاری انتخابات می‌تواند از ابتدای آبان تا بهمن باشد، اظهار کرد: «این موضوع بسته به شرایط حاکم بر هر شهر متفاوت است و امکان دارد تاریخ برگزاری در شهرهای مختلف با هم تفاوت داشته باشد و برخی شهرها که آمادگی لازم را نداشته باشند انتخابات برگزار نمی‌شود. سیاست کلان ما این است که هرچه زودتر انتخابات را در سراسر کشور برگزار کنیم، اما اولویت اصلی فراهم بودن شرایط محیطی و منطقه‌ای است تا بتوانیم با اطمینان، بیشترین مشارکت مردمی را داشته باشیم.» وی همچنین در مورد برگزاری انتخابات در تهران، گفت: «تهران بخشی از کشور محسوب می‌شود و در جلسات برای آن تصمیم‌گیری خواهد شد. تعیین تاریخ دقیق بر عهده هیات مرکزی نظارت و ستاد انتخابات کشور است.»

حال باید دید چه تصمیمی پیرامون انتخابات اتخاذ می‌شود، از آن جهت که آیا سراسری خواهد بود یا براساس آمادگی شهرها، انتخابات کلید خواهد خورد، یعنی اگر بنا باشد طبق آمادگی حوزه‌های انتخاباتی، انتخابات شوراها برگزار شود، احتمالا از نیمه اول تا ۱۵ آبان شاهد اجرای فرآیند انتخابات هفتمین دوره شوراهای شهر و روستا خواهیم بود.

گفت‌وگوی محمدصالح جوکار با ارگان رسمی دولت گویای تحولی در رویکرد مدیریت انتخابات است که در آن، انعطاف‌پذیری اجرایی، جایگزین الگوهای متمرکز پیشین می‌شود. از این رو برگزاری انتخابات متناسب با آمادگی شهرها، راهکاری منطقی برای ارتقای کیفیت نظارت و کاهش فشار بر سازمان‌هاست. هدف از این تصمیم، مدیریت شرایط بر اساس واقعیت‌های هر منطقه است تا از هرگونه خلل در برگزاری انتخابات جلوگیری شود. با این حال، این شیوه برگزاری ممکن است بر فضای رقابتی اثر بگذارد، به این معنا که نتایج به‌دست آمده در حوزه‌هایی که انتخابات در آنجا برگزار می‌شود، روی دیدگاه و تصمیم مردم در سایر شهرها اثر بگذارد و باعث شود نامزدها، رویکرد و نحوه تبلیغات خود را تغییر دهند.

نکته حائز اهمیت دیگر موضوع انتخابات تناسبی در تهران است. موافقان می‌گویند، براساس سیستم تناسبی، طیف‌های مختلف سیاسی بر اساس درصد آرای‌شان در شورا حضور خواهند یافت و این کار مانع آن می‌شود که یک جریان خاص با کسب اکثریت نسبی، تمام کرسی‌ها را تصاحب کند و در نتیجه، شورا، نماینده واقعی تمام اقشار جامعه می‌شود.

در مقابل مخالفان که برخی از اعضای شورای شهر تهران هم در آن جرگه قرار دارند، بر این باورند سیستم تناسبی منجر به «تکه تکه شدن» شورا می‌شود و تصمیم‌گیری را سخت می‌کند. اما دیگر باید پذیرفت طبق قانون، در تهران انتخابات به شکل تناسبی رقم می‌خورد و احزاب و نامزدها باید خود را براساس همین فرآیند آماده کنند. ارائه نقدها باشد به بعد از شیوه اجرای آن در پایتخت.

انتخابات شوراها در حالی به زمان اجرا نزدیک می‌شود که ما دو جنگ تحمیلی با آمریکا و رژیم صهیونی را سپری کرده‌ایم و همچنان سایه تقابل و درگیری با ایران دیده می‌شود بنابراین باید توجه داشت، انتخابات نباید به تقابل و بگومگوهای سیاسی تبدیل شود. مهم‌تر آنکه ما انتخابات شوراها را خواهیم داشت، انتخاباتی که حقیقتا نباید آن را به جناح‌ها و شخصیت‌های سیاسی پیوند زد. بازیگران انتخابات احزاب و سیاسیون هستند اما خمیرمایه به حضور نیروهای تخصصی و کارشناسان حوزه شهر و جامعه برمی‌گردد؛ شوراها هیچ‌گاه سیاسی نبوده و نباید هم سند خیابان بهشت یا سایر شوراهای شهر و روستا به نام این جریان یا آن جریان زده شود.

فراموش نکرده‌ایم سرنوشت شورای اول تهران در عصر اصلاحات به کجا ختم شد. از این رو برای حفظ انسجام ملی، محورهای تبلیغاتی باید از فضای کلان سیاسی به فضای خدمات شهری و رفاه اجتماعی منتقل شود. طبیعتا وقتی بحث بر سر موضوعاتی همچون آسفالت، فضای سبز و مدیریت شهری باشد، نگاه‌های تخصصی و نه سیاسی بیشتر ضریب داده می‌شود و در آن صورت رقابت‌ها، سازنده‌تر و مردم‌پسندتر خواهد بود. احزاب و رجال سیاسی بهتر است یک بار هم که شده کلاه خود را قاضی کنند و بپذیرند دیگر برای توده‌های مردم دوره اصولگرا، اصلاح‌طلب و کارگزاران تمام شده، آنها به عنوان ولی‌نعمتان انقلاب از مسئولان در نهادهای انتخاباتی و انتصاباتی کار، کار و کار می‌خواهند. در اصل نتیجه نهایی را در سفرهای خود و در سطح شهرها و روستاها خواهند دید. پیش از این تهران، کلان شهرها و سایر استان‌ها چه وضعیتی داشته و اکنون به کجا رسیده است. قطعا حنای بازی‌های سیاسی و انتخاباتی در شهرداری‌ها و شوراها برای «ملت ما» رنگی ندارد.

در مجموع، توجه به مدیریت محلی و تقویت مشارکت مردمی در محله‌ها باید به طور جدی دنبال شود. هرچند مدل تناسبی در تهران، متغیرهای جدیدی را وارد معادلات سیاسی کرده که می‌تواند فرصتی برای عدالت‌خواهی باشد، اما کلید موفقیت در این دوره، ایجاد توازن میان رقابت و انسجام است. بنابراین، برای آنکه این انتخابات به جای ایجاد فاصله، به ابزاری برای تقویت همبستگی ملی تبدیل شود، ضروری است تمامی فعالان سیاسی، رقابت را نه راهی برای کنار زدن دیگران، بلکه فرصتی برای ارائه خدمات بهتر و کارآمد و ارتقای مدیریت شهری بدانند. ایمان داشته باشیم، مردم بهترین قاضی هستند و به خوبی تشخیص می‌دهند که کدام ائتلاف یا حزب به دنبال استفاده از کرسی‌های شورا و شهرداری برای بالا رفتن از نردبان سیاست است و کدام شخصیت‌ها صادقانه به دنبال گشودن گره‌های مشکلات آنان (مردم) هستند. زمان آن رسیده است که بازیگران سیاسی تکلیف خود را با انتخابات شوراها روشن کنند و به جای نگاه سیاسی، از دریچه حوزه‌های تخصصی شهر به انتخابات بنگرند.



«آگاه» در گزارشی به بررسی مواضع سخنگوی ارتش و بیانیه وزارت دفاع پرداخت
معادله جدید قدرت

قدرت دفاعی کشور، حاصل پیوند میان دانش فناورانه و آمادگی عملیاتی است. تکیه بر توان بومی در حوزه‌های راهبردی مانند فناوری فضایی و ماهواره‌ای، زیرساختی را ایجاد کرده که بازدارندگی ایران را از حالت تدافعی به حالتی فعال و هوشمند تغییر داده است. این استقلال علمی باعث شده تا زنجیره آمادگی نظامی، فارغ از فشارهای خارجی و تهدیدات و تحریم‌ها، در هر سه سطح زمین، دریا و آسمان تقویت شود؛ نتیجه این همسویی، ایجاد وضعیتی است که در آن تخصص و فناوری، تبدیل به قدرت واقعی در میدان نبرد شد.

به گزارش «آگاه» ماجرا از آن قرار است که دیروز بیانیه وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به مناسبت هفته جهانی فضا در کنار موضع‌گیری سخنگوی ارتش در خبرگزاری‌ها منتشر شد و می‌توان پیرامون آن تحلیل و تفسیر ارائه کرد. امیر سرتیپ محمد اکرمی‌نیا در جمع کارکنان تیپ ۶۵ نیروهای ویژه و اکنش سریع نیروی زمینی ارتش، با اشاره به جایگاه ویژه این یگان در ساختار دفاعی کشور، اظهار کرد: «تیپ ۶۵ یک یگان راهبردی است و ماموریت‌های آن صرفا در سطح تاکتیکی تعریف نمی‌شود؛ بلکه عملیات‌های این یگان آثار و پیامدهای راهبردی در سطح ملی و بین‌المللی دارد. برخورداری از نیروهای مومن، آموزش دیده و توانمند، تیپ ۶۵ را به یکی از ظرفیت‌های مهم ارتش و کشور تبدیل کرده است. وی درباره محاسبات دشمن در جنگ جاری، تصریح کرد: دشمن با خطای محاسباتی تصور می‌کرد می‌تواند در مدت چند روز توان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را از بین ببرد و اهداف خود را در کشور محقق کند؛ اما مقاومت نیروهای مسلح و ایستادگی ملت ایران تمامی این محاسبات را برهم زد. اهداف دشمن محدود به موضوعات هسته‌ای، موشکی و جبهه مقاومت نبود؛ آنها اهدافی فراتر را دنبال می‌کردند و ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی و تجزیه ایران را در دستور کار داشتند، اما در تحقق هیچ‌یک از این اهداف موفق نشدند.

سخنگوی ارتش، ایمان و انگیزه نیروهای مسلح را از عوامل اساسی ایستادگی در برابر دشمن عنوان کرد و گفت: آنچه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را در میدان حفظ کرد، تنها تجهیزات و امکانات نبود؛ بلکه ایمان، انگیزه، روحیه مقاومت و باور عمیق به دفاع از نظام و کشور بود. سرتیپ اکرمی‌نیا با بیان اینکه مردم در این میدان نیز نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند، خاطرنشان کرد: ملت ایران در کنار نیروهای مسلح ایستادند و حضور مردم در میدان‌ها و اجتماعات شبانه، علاوه بر نمایش وحدت و انسجام ملی، موجب تقویت روحیه رزمندگان و افزایش احساس تعهد و مسئولیت آنان در دفاع از کشور شد. وی با اشاره به شرایط موجود در آمریکا اظهار کرد: «رئیس جمهور آمریکا از یک سو تحت فشار جریان صهیونیستی برای انجام اقدامات و شرارت جدید علیه ایران قرار دارد و از سوی دیگر با مخالفت‌های مردم در داخل آمریکا نسبت به جنگ با ایران مواجه است؛ مجموعه این شرایط، فضای تصمیم‌گیری را برای دولت آمریکا پیچیده و سخت کرده است. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران تحولات و تهدیدات را با دقت رصد می‌کنند. ما مستمرا در حال ارتقای توان خود هستیم و برای هر وضعیتی آمادگی داریم.»

اظهارات اخیر سخنگوی ارتش مبنی بر آمادگی برای هر وضعیتی، نشان‌دهنده تغییر موضع در مدیریت تهدیدات است. وقتی ارتش تاکید می‌کند، تحولات را با دقت رصد کرده و توان خود را مستمرا ارتقا می‌دهد، در واقع پیامی به همگان (دوستان و دشمنان) منتقل می‌کند؛ استراتژی دفاعی ایران از حالت «تدافعی محض» به حالت «بازدارندگی فعال» تغییر کرده است. این یعنی ایران امروز در میدان نبرد، نه تنها از توانایی دفع حمله، بلکه از ظرفیت مدیریت هر سناریوی احتمالی برخوردار است.

اما نکته کلیدی و تکمیلی اینجاست که آمادگی عملیاتی آجا و توسعه فناورهای راهبردی دو سکه‌ای هستند که هم‌راستا با هم پیش می‌روند و به تقویت و توسعه دفاعی کمک شایان می‌کنند. بیانیه دیروز وزارت دفاع درباره توسعه فناوری‌های راهبردی فضایی و تقویت زنجیره بومی ساخت ماهواره، در واقع پشتیبان همان آمادگی ارتش انقلابی است. وزارت دفاع در بیانیه خود به مناسبت هفته جهانی فضا، آورده است: تحولات سال‌های اخیر و تجربه جنگ‌های نوین نیز نشان داده است که فضا دیگر عرصه‌ای دور از معادلات امنیتی و نظامی نیست. امروز بخش مهمی از ارتباطات، موقعیت‌یابی، دریافت و پردازش داده، پایش تحولات و پشتیبانی از فعالیت‌های حیاتی کشورها به زیرساخت‌های فضایی وابسته است و در منازعات جدید، ظرفیت‌های فضایی به یکی از اجزای موثر زنجیره اطلاعات و پشتیبانی تبدیل شده‌اند. از این رو، نادیده گرفتن این عرصه یا وابستگی در دسترسی به خدمات و زیرساخت‌های فضایی، می‌تواند بخشی از توان ملی کشورها را در معرض آسیب و محدودیت و محرومیت قرار دهد.

در چنین شرایطی، برخورداری از توانمندی بومی در حوزه فضایی و به‌ویژه توان مستقل دسترسی به مدار، صرفا یک دستاورد فناورانه نیست، بلکه بخشی از الزامات استقلال، تاب‌آوری و قدرت ملی محسوب می‌شود. همان‌گونه که کشور در حوزه دفاعی با اتکا به دانش بومی، نیروی انسانی متخصص و ظرفیت‌های داخلی مسیر خود اتکایی را طی کرده است، در عرصه فضا نیز استمرار این مسیر می‌تواند زمینه‌ساز حضور موثرتر و مستقل‌تر جمهوری اسلامی ایران در یکی از مهم‌ترین عرصه‌های فناوری آینده در جهان باشد. وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، با اتکا به توان علمی و فناورانه متخصصان، دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و شرکت‌های دانش‌بنیان، توسعه فناوری‌های راهبردی فضایی و تقویت زنجیره طراحی، ساخت و پرتاب را در چارچوب ماموریت‌های خود را مجدانه و با برنامه راهبردی دنبال می‌کند و بر این باور است که آینده اقتدار فضایی کشور، در گرو استمرار سرمایه‌گذاری علمی، تربیت و میدان دادن به نیروی انسانی جوان، با انگیزه و مستعد و توسعه زیرساخت‌ها و تبدیل دانش به فناوری‌های قابل اتکا و پایدار است.

«انقلاب ماهواره‌برها» را می‌توان روایت مسیری دانست که از سال‌ها تلاش علمی و صنعتی آغاز شده و امروز به یکی از جلوه‌های توانمندی فناورانه کشور تبدیل شده است؛ مسیری که از سفیر و سیمرغ تا قفنوس و سریر نسل‌های جدید ماهواره‌برها، بیش از آنکه روایت چند پرتاب باشد، روایت انباشت تجربه، عبور از آزمون‌ها، ارتقای فناوری و حرکت مستمر به سوی توانمندی‌های پیچیده‌تر فضایی است.

آمادگی ارتش برای هر وضعیتی، مدیون همان توان علمی و فناورانه بومی است که وزارت دفاع بر آن تاکید دارد. ماهواره‌ها و فناوری‌های فضایی، چشم‌ها و گوش‌های نیروهای مسلح در میدان نبرد هستند بنابراین، هر پیشرفتی در حوزه فضا، به صورت مستقیم به معنای افزایش دقت و قدرت ضربتی ارتش در میدان نبرد ارزیابی می‌شود. ترکیب این دو پیام یعنی آمادگی ارتش و بیانیه وزارت دفاع، پیامی جامع به دشمن می‌فرستد و آن اینکه «ایران هم آماده نبرد است و هم در سطح آسمان و فضا در حال پیشروی است.»

حضور ایران در میدان نبرد امروز، فقط بر پایه تعداد نیروها نیست، ترکیبی از «هوشمندسازی»، «فناوری بومی» و «آمادگی عملیاتی» است. این هم‌سویی میان ارگان‌های دفاعی، یک زنجیره متصل را نمایش می‌دهد که در آن، دانش روز، تبدیل به قدرت بازدارنده در دستان سربازان ارتش و سایر نیروهای مسلح شده است. اما نتیجه آنکه بازدارندگی ایران، بر پایه یک واقعیت محکم استوار است و آن اینکه ما هر آنچه برای دفاع از کشورمان نیاز داریم را خودمان می‌سازیم و با همان ابزارهای بومی، در برابر هر تهدیدی در هر سطحی (زمینی، دریایی و فضایی) ایستادگی می‌کنیم. این یعنی استقلال دفاعی ایران به خوبی تقویت شده و تکیه بر توان داخلی، به امنیت ما عمق و پایداری بیشتری داده است و این همان معنای واقعی قدرت‌آفرینی است.



اسکندر مؤمنی، وزیر کشور:
پلیس جمهوری اسلامی ایران، نماد اقتدار است

چرا با وجود ادعای عبور نفت از تنگه هرمز، قیمت‌ها سقوط نمی‌کنند؟
معمای ایرانی

تنگه هرمز بسته است یا باز؟ این سوالی است که این روزها ذهن بسیاری را به خود مشغول کرده است. پاسخ به این سوال، قطعا یک کلمه‌ای نیست. واقعیت آن است که تنگه هرمز نه باز است و نه بسته. نفت و نفتکش از آن عبور می‌کند، اما با اعمال شاقه. امری که سبب می‌شود هزینه عبور، بسیار گزاف شود.



برخی تحلیلگران و ناظران، مدام در حال انتشار این گزاره هستند که اهرم تنگه هرمز از دست ایران در رفت و ایران دیگر نمی‌تواند به واسطه تنگه هرمز از دشمن آمریکایی امتیاز بگیرد؛ این گزاره، کاملا غلط و ناصواب است.
درست است که پیچ انسداد تنگه هرمز طی هفته‌های اخیر شل شده و از کریدور عمانی یا جنوبی تنگه هرمز، روزانه بین هفت تا ۱۴ میلیون بشکه نفت خارج می‌شود؛ اما این همه ماجرا نیست؛ چرا که در بحث ترانزیت نفت، فقط موضوع خروج، مطرح نیست؛ باید ده‌ها هزینه دیگر را نیز به آن اضافه کرد که مهم‌ترین آنها بیمه نفتکش‌هاست. بنابراین معمای موجود حل شده است؛ معما این بود که چرا وقتی روزانه ۱۴ میلیون بشکه نفت از تنگه هرمز عبور می‌کند و ۶ میلیون هم از پترولاین یا همان خط لوله ینبع سعودی و فجیره امارات، پس چرا قیمت نفت همچنان بالاست و آمریکا برای آزادسازی ذخایر نفت و گازوئیل به اروپا و ژاپن فشار می‌آورد؟ مگر تا پیش از جنگ ایران و آمریکا، ۲۰ میلیون بشکه نفت از تنگه هرمز عبور نمی‌کرد؛ حالا همان ۲۰ میلیون در حال جبران است، اما قیمت نفت به پیش از جنگ بازنگشته است. دلیل این امر همان هزینه‌های اضافی و سرسام‌آور ناشی از بیمه نفتکش‌ها و ریسک عبور از تنگه هرمز است.

هزینه‌های نامرئی عبور

طبق اعلام خبرگزاری رویترز قبل از جنگ آمریکا علیه ایران، هزینه بیمه خطر جنگ برای یک نفتکش بزرگ، حدود صد هزار دلار بود اما اکنون به هفت میلیون دلار رسیده است؛ یعنی ۷۰ برابر شده است.
در تحول دیگری، کشورهای گروه ۷ که تحت تسلط و انقیاد آمریکا هستند، تحت فشار واشنگتن، موافقت کردند تا سقف ۱۰۰ میلیون بشکه سوخت گازوئیل و نفت خام از ذخایر استراتژیک خود را آزاد کنند. حال سوال این است که اگر تنگه هرمز کاملا باز بود و از اداره و اراده ایران خارج شده بود و روزانه ۱۶ میلیون بشکه نفت از آن، به راحتی و ارزانی عبور می‌کرد، چه نیازی بود که هفت کشور صنعتی جهان، برای کنترل قیمت سوخت، ۱۰۰ میلیون بشکه نفت آزاد کنند؟
برخی تصور می‌کردند با ایجاد خطوط لوله جایگزین مانند پترولاین یا راه اندازی کریدور عمانی، اهمیت استراتژیک تنگه هرمز رو به افول می‌رود، اما این نگاهی تقلیل گرایانه به اقتصاد ژئوپلتیک است. امنیت انرژی تنها به جریان فیزیکی کالا وابسته نیست؛ بلکه تابعی از امنیت روانی و ثبات کریدوری است. وقتی کشتیرانی بین‌المللی در هرمز با سایه تهدید مواجه است، این ریسک مانند یک مالیات نامرئی بر تمام زنجیره تامین انرژی جهان وضع می‌شود؛ مالیاتی که خریدار نهایی در نیویورک، توکیو، برلین یا لندن می‌پردازد، نه ایران. بنابراین، حتی اگر تنگه فیزیکی بسته نشود، همین سایه ناامنی، سازوکار عرضه را چنان گران می‌کند که مزیت رقابتی انرژی خلیج‌فارس در بازارهای جهانی به شدت فرسایش می‌یابد.
اینکه آمریکا با ایجاد ائتلاف‌های دریایی پرهزینه و راه‌اندازی کریدورهای جعلی، سعی در عادی‌سازی وضعیت تنگه هرمز دارد، بیش از آنکه نمایش قدرت باشد، اعترافی است به ناتوانی دکترین‌های کلاسیک در مدیریت یک بحران نامتقارن. آنها می‌خواهند با اسکورت نظامی کشتی‌های کوچک اماراتی یا همان شاتل‌های دولتی ابوظبی، توهم امنیت در تنگه هرمز را ایجاد کنند؛ اما غافل از اینکه امنیت، کالایی نیست که با ناوشکن جابه‌جا شود. وقتی سیستم‌های ریسک سنجی بیمه‌های بزرگ بین‌المللی، هرمز را به عنوان منطقه‌ای پرخطر شناسایی کرده‌اند، هیچ پوشش نظامی نمی‌تواند هزینه‌های عملیاتی شرکت‌های کشتیرانی را به نرخ پیش از تنش بازگرداند. درواقع، حضور نظامی شرورانه و متجاوزانه آمریکا در خلیج فارس، به جای کاهش هزینه، خود به عاملی برای ضریب دادن به ریسک درگیری تبدیل شده است.
معادله قدرت در خلیج فارس دچار یک تغییر ماهوی شده است. در دکترین‌های کلاسیک دریایی، قدرت به معنای داشتن ناوهای هواپیمابر و توان گشت زنی مستمر است؛ اما در ادبیات جدید بازدارندگی نامتقارن، قدرت یعنی توانایی ایجاد نوسان در محاسبات بازار انرژی با کمترین هزینه. ایران برای تاثیرگذاری بر قیمت جهانی انرژی، نیازی به بستن فیزیکی تنگه ندارد؛ همین که احتمال اخلال در جریان صادرات، به متغیری ثابت در محاسبات روزانه بازار جهانی تبدیل شود، کافی است تا اراده سیاسی تهران در قلب تپنده اقتصاد غرب، یعنی قیمت سوخت، نمود پیدا کند. این همان جایی است که آمریکا در مواجهه با ایران، در زمین خود ایران بازی می‌کند و شکست می‌خورد.

آزادی فیزیکی تنگه، به معنای امنیت اقتصادی نیست

باید میان دو گزاره باز بودن تنگه و عملکرد عادی تنگه تفکیک قائل شد. باز بودن تنگه یعنی نفتکش‌ها اجازه عبور دارند؛ اما عملکرد عادی یعنی هزینه‌های بیمه، سوخت و زمان انتظار در وضعیت متعادل قرار دارند. امروز، تنگه هرمز در وضعیت باز غیراقتصادی قرار دارد. وقتی هفت کشور صنعتی جهان ناچار می‌شوند صدها میلیون بشکه از ذخایر استراتژیک خود را برای سرکوب قیمت‌ها آزاد کنند، یعنی سیستم انرژی جهان در حال تجربه یک تورم ناشی از عدم اطمینان است. این استراتژی تخلیه ذخایر، مسکنی موقت است؛ چرا که تا زمانی که ریسک امنیتی هرمز پابرجاست، چشمه‌های جوشان نفت ارزان، خشکیده باقی خواهند ماند.
رئیس جمهور آمریکا این روزها هیچ دغدغه سیاسی و اقتصادی بالاتر از نگه داشتن قیمت سوخت زیر بشکه‌ای ۱۰۰ دلار ندارد. در کنار بهره‌گیری از همه ابزارهای ممکن، از دستکاری در بازار معاملات کاغذی نفت، فشار دستوری به کشورها برای آزاد کردن ذخایر، به خطر انداختن نفتکش‌های کشورهای مختلف برای تردد اجباری از کریدور غیرقانونی جنوبی خلیج فارس، استفاده از ظرفیت ناوگان شاتل‌های دولت مزدور و صهیونیستی امارات و نرخ بی سابقه آزادسازی ذخایر استراتژیک خود آمریکا، رسانه‌های جریان اصلی آمریکا هم به کمک ترامپ آمده‌اند تا روایت کذب کاخ سفید، مبنی بر باز بودن تنگه هرمز و سوختن برگه تنگه برای ایران را، لااقل تا زمان برگزاری انتخابات میان دوره‌ای کنگره در آمریکا جا بیندازند.
در همین زمینه، اخیرا افشا شده که رئیس بخش تحلیل داده‌های نفتی موسسه کپلر، مرجع جهانی آمار خروج نفت از تنگه هرمز، یک ایرانی وابسته به فرقه تروریستی پهلوی است. این افشاگری، حالا دلیل عدد و آمارسازی‌های موسسه کپلر درباره میزان انتقال نفت از تنگه هرمز، در جهت کاهش قیمت را بیشتر نمایان می‌کند.
از بازارهای نفت که فاصله بگیریم، در صحنه میدان نیز آنچه آشکار است این است که شلیک به شناورهای متخلف در تنگه هرمز جدی‌تر شده و صدای انفجار تقریبا در تمام ۲۴ ساعت در تنگه هرمز شنیده می‌شود. همچنین عبور از این تنگه محدود شده و آمارهای تنکرتراکرز و کپلر توسط سیا دستکاری می‌شود. ویدیوهای جعلی از عبور شناورها نیز به زودی افشا خواهد شد. اگر تنگه باز و در کنترل آمریکاست، چرا ذخایر راهبردی نفت خود را به بازار سرازیر کرده؟ اینها همه نشانه دروغ است.

آمریکا در حال انتقال مجموعه جدید نیروهای نظامی به غرب آسیا است
تکرار دیپلماسی ناوچه‌ای

دونالد ترامپ، رئیس جمهور جنایتکار آمریکا بار دیگر استراتژی ارعاب‌آفرینی را در قبال ایران برگزیده است و سعی دارد با اعزام ناوگان‌های نظامی جدید به منطقه غرب آسیا، اصطلاحا دل ما ایرانی‌ها را خالی کند و سایه ترس را بر ایران بگستراند. این حربه، دیگر نخ‌نما شده و ما نه تنها از جنگ نمی‌ترسیم که برای آن آماده نیز هستیم.

بر اساس گزارش وال استریت ژورنال، وزارت جنگ آمریکا در حال انتقال یک مجموعه جدید از نیروهای نظامی آمریکا به منطقه غرب آسیا است. این تحرکات شامل یک گروه رزمی ناو هواپیمابر، نیروهای تفنگدار دریایی، هواگردهای رزمی و تجهیزات پشتیبانی خواهد بود و به گفته این روزنامه، ظرفیت عملیاتی آمریکا در منطقه را افزایش می‌دهد.
در این چارچوب، گروه رزمی ناو هواپیمابر یواس اس تئودور روزولت و گروه آبی خاکی یواس اس مکین آیلند به همراه نیروهای وابسته، بخشی از این تحرکات اعلام شده هستند. انتظار می‌رود روند استقرار این نیروها تا پایان ماه نوامبر تکمیل شود.
وال استریت ژورنال گزارش داده است که این تصمیم در حالی اتخاذ شده که دولت دونالد ترامپ در حال بررسی سناریوهای مختلف مرتبط با ایران است. طبق این گزارش، موضوع احتمال انجام حملات هوایی جدید علیه ایران پس از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا نیز در گفت‌وگوهای داخلی دولت مطرح شده است.

تئاتر قدرت آمریکایی

آنچه واضح است آن است که جابه‌جایی‌های پرهزینه و پرهیاهوی دریایی آمریکا، بیش از آنکه یک تغییر آرایش نظامی واقعی باشد، صرفا یک تئاتر قدرت برای مصرف داخلی و اطمینان‌بخشی به متحدان متزلزل واشنگتن در منطقه است. آمریکایی‌ها می‌دانند که در عصر بازدارندگی نامتقارن، ناوهای هواپیمابر نه به عنوان قلعه‌های تسخیرناپذیر، بلکه به عنوان اهدافی بزرگ، پرهزینه و دردسترس شناخته می‌شوند. این حضور پرحجم، عملا به معنای افزایش آسیب‌پذیری نیروهای آمریکایی است؛ چرا که آنها خود را در تیررس زرادخانه‌ای قرار داده‌اند که سال‌هاست برای مقابله با همین ماشین‌های جنگی غول‌آسا تمرین کرده است.
سیاستمداران کاخ سفید گمان می‌کنند با تزریق فلز و تجهیزات به منطقه، می‌توانند امنیت از دست رفته خود را بازیابی کنند، اما این خطای محاسباتی ناشی از توهم قدرت است. آنچه واشنگتن نادیده می‌گیرد این است که اراده ملت ایران، کالایی نیست که با ورود یک ناوگروه جدید دچار تزلزل شود. این رویکرد ارتجاعی، نشان‌دهنده آن است که دستگاه دیپلماسی و نظامی آمریکا در مواجهه با ایران به بن بست رسیده و اکنون به دوران دیپلماسی ناوچه‌ای بازگشته است؛ روشی که تاریخ معاصر نشان داده، در برابر اراده ملت‌های مقاومت‌گر، جز شکست و انزوا دستاوردی نداشته است.
تحرکات اخیر واشنگتن، دقیقا در پازل مصارف انتخاباتی قابل تحلیل است. دولت ترامپ که در حل بحران‌های داخلی و رکود اقتصادی خود ناتوان مانده، اکنون سعی دارد با ایجاد یک بحران ساختگی در غرب آسیا، توجه افکار عمومی جامعه آمریکا را از شکست‌های داخلی به سمت یک دشمن خارجی منحرف کند. این سناریوهای تکراری برای ما، حربه‌ای نخ‌نما و بی‌اثر است؛ چرا که جمهوری اسلامی ایران با شناخت دقیق از کدگذاری‌های انتخاباتی آمریکا، مرعوب این هیاهوهای کاغذی نمی‌شود و به خوبی می‌داند که واشنگتن، نه توان و نه جرات ورود به یک جنگ تمام‌عیار در منطقه را ندارد.



آمریکا شکار است، نه شکارچی

نباید میان حضور فیزیکی در خلیج فارس و تسلط راهبردی خلط مبحث کرد. حضور ناوهای هواپیمابر و تفنگداران دریایی، شاید بتواند روی نقشه، نقطه آبی را به قرمز تبدیل کند، اما در واقعیت میدان، تغییری در توازن قوا ایجاد نمی‌کند. ایران با تکیه بر توان بومی و دکترین دفاعی نفوذناپذیر خود، عملا ابتکار عمل را از دست نیروهای بیگانه خارج کرده است. این نیروها امروز در منطقه، نه به عنوان شکارچی، که به عنوان شکار در منطقه‌ای محصور حضور دارند که هرگونه ماجراجویی ناشی از خطای محاسباتی، می‌تواند به کابوسی برای واشنگتن تبدیل شود.
سیاستمداران آمریکایی نیز از ماجراجویی‌های ترامپ به تنگ آمده و عصبی شده‌اند؛ در همین راستا، سناتور کریس ون هولن با انتقاد شدید از سیاست‌های دونالد ترامپ، دولت او را به تلاش برای گسترش جنگ غیرقانونی در خاورمیانه و پنهانکاری درباره تلفات نظامیان آمریکایی متهم کرد. ون هولن با هشدار نسبت به وعده ترامپ برای از سرگیری جنگ در ماه آینده، از کنگره خواست هرچه سریع‌تر بودجه این اقدامات جنگ‌طلبانه را قطع کند.
این اصطکاک آشکار میان جناح‌های سیاسی آمریکا، نشان‌دهنده آن است که سیاست‌های جنگ‌طلبانه ترامپ نه تنها در جلب حمایت جهانی شکست خورده، بلکه در خانه خود نیز دچار تفرقه و فروپاشی شده است. جنگ‌طلبی‌های بی‌محابای ترامپ، اکنون به نقطه اصطکاک میان کاخ سفید و کنگره بدل شده است؛ جایی که حتی از میان خود حلقه تندرو سیاست در آمریکا، صداهای بلند هشداردهنده درباره خطر جنگ‌های بی‌پایان و بدون هدف به گوش می‌رسد.

جنگ ایران و انتخابات آمریکا

نشریه فارن پالیسی در تازه‌ترین نوشتار خود با عنوان «جنگ ایران به موضوعی انتخاباتی در آمریکا تبدیل می‌شود»، نوشت: جنگ با ایران که در بخش عمده سال جاری در واشنگتن صرفا یک موضوع سیاست خارجی و مرتبط با اهداف نظامی، سیاست هسته‌ای، بازدارندگی و مذاکرات تلقی می‌شد، با نزدیک شدن به انتخابات میان‌دوره‌ای سوم نوامبر، بیش از پیش به بخشی از مناقشه داخلی آمریکا درباره قیمت‌ها، اختیارات کنگره و انتظارات مردم از دولت در عرصه سیاست خارجی تبدیل شده است.
نویسنده این گزارش، مایکل هریسون، می‌نویسد اهمیت این تغییر از آن جهت است که انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا صرفا همه‌پرسی درباره سیاست خارجی نیست؛ تمامی ۴۳۵ کرسی مجلس نمایندگان و حدود یک سوم کرسی‌های سنا در این انتخابات به رأی گذاشته می‌شوند و نتیجه انتخابات مشخص خواهد کرد که کنگره تا چه اندازه می‌تواند در دو سال پایانی دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، سیاست دولت را به چالش بکشد، تامین مالی کند، مورد تحقیق قرار دهد یا در شکل‌دهی به آن نقش داشته باشد.
در این گزارش آمده است که جنگ ایران از طریق موضوعاتی که معمولا در محدوده سیاست خارجی باقی نمی‌مانند، به رأی‌دهندگان آمریکایی رسیده است. قیمت بنزین در پی اختلال در جریان انرژی در خاورمیانه به‌شدت افزایش یافته و یک نظرسنجی مشترک آسوشیتدپرس و سی‌ان‌ای از بیش از دو هزار رأی‌دهنده ثبت‌نام شده روستایی نشان می‌دهد ۴۲ درصد از آنان معتقدند برای نامزدهای انتخابات میان‌دوره‌ای بسیار مهم است که درباره درگیری با ایران صحبت کنند. این میزان در میان رأی‌دهندگان روستایی دموکرات به ۵۷ درصد رسیده است.
هزینه زندگی در مجموع اهمیت بیشتری برای رأی‌دهندگان آمریکایی داشته است؛ به‌طوری که ۶۹ درصد گفته‌اند پرداختن نامزدها به این موضوع اهمیت بسیار زیادی دارد. بر اساس این گزارش، یک رأی‌دهنده آمریکایی برای مواجه شدن با پیامدهای جنگ لزوما نیازی ندارد مذاکرات نیویورک یا مباحث مربوط به برنامه هسته‌ای ایران را دنبال کند. قیمت بنزین، هزینه حمل‌ونقل کالاها و پرسش‌ها درباره هزینه‌های فدرال می‌تواند یک جنگ دوردست را به موضوعی داخلی در کارزارهای انتخاباتی تبدیل کند.

آشوبگری که از اراذل و اوباش سطح یک بود
یکی دیگر از مزدوران نتانیاهو به سزای اعمالش رسید

سیاوش جمشیدی خیرآبادی فرزند خدامراد، از اراذل و اوباش سطح یک شهرکرد بود و سوابق مجرمانه متعددی در کارنامه خود داشت که موجب رعب و وحشت در میان شهروندان شده بود.
کلاهبرداری، تهدید، سرقت، حمل و نگهداری سلاح غیرمجاز جنگی، مشارکت در آدم‌ربایی، قدرت‌نمایی، ایراد صدمه بدنی عمدی، تهدید با سلاح گرم و شلیک با سلاح کمری مقابل حوزه علمیه شهرکرد، از جمله سوابق متعدد سیاوش جمشیدی بوده که در مراجع انتظامی و قضایی ثبت شده است. نامبرده همچنین در جریان کودتای دی ۱۴۰۴ فعال بوده و با سلاح جنگی به سمت ماموران پلیس اقدام به شلیک گلوله کرده است.
خودرو گشتی نیروهای امنیتی در ۱۸ دی گزارش می دهد که در خیابان ناصرخسرو شهرکرد، فردی شروع به تیراندازی به سمت ماموران مستقر در سمت مصلی امام خمینی (ره) کرده و پس از شلیک، سوار خودرو اس‌ال‌ایکس به شماره مشخص شده و از محدوده فرار کرده است. دو روز بعد، خودرو شناسایی و سیاوش جمشیدی به همراه یک قبضه سلاح کلت کمری دستگیر شد.
پس از دستگیری، سیاوش جمشیدی در مراحل مختلف به حمل و نگهداری سلاح، شلیک گلوله به سمت ماموران و سوابق مجرمانه پیشین خود اعتراف کرد. نامبرده در جریان رسیدگی به پرونده نزد بازپرس اظهار کرده است که «من اهل هر خلافی هستم.» وی در اعترافات خود گفته است: روز ۱۸ دی بعد از مهمانی به سمت منزل می‌رفتم، در مسیر جاده بسته بود، به همین دلیل مسیر حرکتم را تغییر دادم و در خیابان ناصرخسرو شهرکرد با سلاح کمری به سمت ماموران شلیک کردم، بعد به باغ برادرم رفتم، سلاح را تمیز کردم و یک تیر داخل کلت گذاشتم، ام‌فور را هم زیر خاک پنهان کردم.
سلاح جنگی ام‌فور، به همراه دو عدد خشاب، پس از دستگیری نامبرده کشف شد و سیاوش جمشیدی تعلق این سلاح به خود را نیز تایید کرد. همچنین بررسی‌های فنی اطلاعات تلفن همراه محکوم علیه که خود وی نیز نزد مقام قضایی آن را تایید کرده است، حاکی از حضور مکرر وی در اغتشاشات و استفاده از سلاح بوده است. نامبرده به مراتب و دفعات مختلف به اشخاص مختلف در خصوص حضور در اغتشاشات و استفاده از سلاح پیام داده است. جمشیدی در پیام‌ها تاکید کرده است که زمان چکاندن آخر برای اتمام کار رسیده است. یکی دیگر از متهمان پرونده نیز به نقل از سیاوش جمشیدی عنوان کرده است: در مورد ماموران می‌گفت، آیا بهتر نیست اینها را به گلوله ببندیم؟
براساس مفاد پرونده، نامبرده در اغتشاشات دی سال گذشته با ارتباط‌گیری با افراد در فضای مجازی نسبت به ساماندهی و انجام اقدامات ضد امنیتی اقدام کرده است و به مخاطبان خود گفته است برای انجام ماموریت یک میلیارد ریال پرداخت کنند.

محکومیت به محاربه

پرونده سیاوش جمشیدی خیرآبادی پس از صدور کیفرخواست، با حضور وکیل وی در دادگاه مورد رسیدگی قرار گرفت که با توجه به مستندات موجود، به اتهام محاربه از طریق کشیدن سلاح گرم و شلیک با آن و اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور به اعدام محکوم شد.
گزارش ماموران که شلیک حداقل سه تیر توسط متهم را مشاهده کرده و شماره پلاک خودرو وی را اعلام کرده بودند، دستگیری متهم دو روز بعد با همان خودرو و همان اسلحه، تحقیقات مقدماتی انجام شده در دادسرا که طی آن متهم صراحتا به کشیدن سلاح و شلیک گلوله در تجمعات اعتراف کرده است، اظهارات شهود و مطلعین که نشان می دهد متهم همواره سلاح به همراه داشته و حتی عنوان کرده است «باید گلوله خرج اینها شود»، پیام‌های رد و بدل شده توسط متهم در رابطه با حضور و شلیک گلوله در اغتشاشات، کشف چند قبضه سلاح جنگی و دفاعیات بلاوجه، از جمله دلایل دادگاه برای صدور حکم اعدام بوده است.
پس از صدور حکم، محکوم علیه از دادنامه صادره فرجام خواهی کرد، اما قضات دیوان عالی کشور با بررسی پرونده و مستندات موجود، حکم صادرشده از سوی دادگاه را تایید و ابرام کردند. در نهایت، حکم اعدام سیاوش جمشیدی، یکی از اراذل و اوباش سطح یک شهرکرد، پس از طی تشریفات قانونی و تایید دیوان عالی کشور اجرا شد.

وزارت اطلاعات:
چهار شبکه خرابکاری خیابانی منهدم شدند



وزارت اطلاعات اعلام کرد: در پی دریافت گزارش‌های مردمی و رصدهای اطلاعاتی، سربازان گمنام امام زمان (عج) در اداره کل اطلاعات استان کرمان در ادامه اقدامات خود علیه مزدوران مجری توطئه دشمن جهت برهم زدن امنیت مردم و تخریب اموال عمومی و شخصی، چهار شبکه سازماندهی شده، متشکل از ۳۱ نفر از مزدوران دشمن آمریکایی- صهیونیستی در شهرستان سیرجان را شناسایی و بازداشت نمودند.
این مزدوران دشمن آمریکایی- صهیونیستی در قالب شبکه‌هایی با نام‌هایی جذاب برای نوجوانان و جوانان سازماندهی شده و دارای شرح وظایف و برنامه‌ریزی مشخص برای چگونگی حضور فعال در فراخوان‌های سراسری بودند. همچنین اعضای این شبکه‌های مزدور، با ساخت کوکتل مولوتف به تعداد زیاد، تهیه و ساخت ابزار تخریب دوربین‌های شهری و... در حال آمادگی برای ایجاد ناآرامی و خرابکاری خیابانی بودند.
این مزدوران دشمن، در جریان کودتای دی ۱۴۰۴ نیز اقدامات وحشیانه و تخریبی گسترده‌ای از جمله به آتش کشیدن فرمانداری، تخریب بانک‌ها و ادارات دولتی، تخریب اموال عمومی و خصوصی، تخریب دوربین‌های شهری و ساختمان‌ها، حمله به مقر پلیس با هدف دستیابی به سلاح و... را انجام داده بودند.
وزارت اطلاعات همچنین اعلام کرد: ضمن تشکر مجدد از ملت همیشه در صحنه برای ارائه گزارش‌های مردمی، همچنان تقاضا می‌شود موارد مشکوک را در اولین زمان ممکن به ستاد خبری وزارت اطلاعات (۱۱۳) یا درگاه‌های رسمی این وزارت، در پیام رسان‌های ایتا، بله، روبیکا و سروش‌پلاس به آدرس ۱۱۳vaja@ (با تیک آبی) گزارش فرمایند. دشمنان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران نیز بدانند، فرزندان خمینی کبیر و خامنه‌ای مجاهد شهید تا انتقام از اربابان مزدوران داعشی حوادث تروریستی گذشته، از پای نخواهند نشست.



محمد حاجی‌میرزایی، مدیرعامل بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای:

بازی هنوز در سیاست‌گذاری جدی گرفته نشده است

مقاومت زنانه
۹

جنوب لبنان در آینه زن

زیر سایه پهپادها

روایت نهم از ستون «مقاومت زنانه»، تصویری از زنی است که خانه را به جبر آتش رها کرده و حالا در کربلا، هراس همیشگی صدای پهپادها را مرور می‌کند. فاطمه، زنی از جنوب لبنان، میان ویرانه‌های جنگ، پیوند عمیق امت واحده را در جانش حس کرده است. این نوشته، ترسیم استوار زنی است که در عین ناامیدی از دولت، ایمانش را به نصرت الهی و همراهی ایران، در حافظه تاریخ ثبت می‌کند.

فاطمه اهل لبنان بود؛ از آن جنوبی هایی که زندگی شان با بمب و آتش عجین شده. روی مبل نشسته بود و خودش را کشیده بود جلو. بی مکث و با حرارت حرف می‌زد. با هر کلمه دست‌هایش بالا و پایین می‌رفت و صدایش موج برمی داشت؛ انگار می خواست بغض چندساله را توی چند دقیقه بریزد بیرون. گفت خواهرزاده، برادرزاده و خیلی دیگر از فامیل هایش شهید شده‌اند. گوشی‌اش را گرفت سمتم و فیلم‌های جنوب لبنان را نشانم داد. کف دستش را برگرداند پایین و با یک حرکت افقی حالی‌ام کرد همه با خاک یکسان شده.

گفت خانه‌اش جایی بین صور و صیدا است، فعلا سالم مانده بود اما به خاطر بمباران هرروزه مجبور شدند آنجا را ترک کنند. از شوهرش گفت که خودش خواسته بماند؛ گفت دوست دارد توی همان خانه بمیرد.

تندتند حرف می‌زد و من که چیززیادی از حرف هایش نمی‌فهمیدم رو کردم به دکتر احمد تا برایم ترجمه کند. دکتر مثل دو سال قبل میزبان ما در کربلا بود و فارسی را شکسته بسته حرف می‌زد.

فاطمه از بچه‌ها و نوه‌هایش تعریف کرد و یکی یکی اسم‌های شان را برایم گفت: «محمد، علی، حسن، حسین و...»

حرفش تمام نشده بود که یکهو از جا پرید. سرش چرخید سمت در اتاق که آرام بسته شده بود. دست گذاشت روی قلبش و با فشار نفسش را از سینه بیرون داد. گفت با هر صدایی انتظار انفجار را می‌کشد. توضیح داد پهپادهای اسرائیل دائم روی سرشان چرخ می‌خورند. بعد پشتش را صاف کرد و با غرور خاصی گفت حزب‌الله دارد لب مرز جانانه می‌جنگد. کمی مکث کرد و ادامه داد از دولت لبنان کاملا ناامید شده‌اند و تنها امیدشان خداست و ظهور امام زمان(عج).

من که تمام مدت چشمم بین او و دکتر می چرخید نظرش را درباره ایران پرسیدم. خط‌های اخمش صاف شد و چهره‌اش به حالت عادی برگشت. به عربی چیزی گفت که سر درنیاوردم. دکتر احمد با فارسی آمیخته به عربی بهم فهماند که قدردان ایران هستند. گفت: «همه ایران مقاومت است و دارد از لبنان دفاع می‌کند.» دوباره ابروهایش تو هم رفت و گفت: «ولی دولت‌مان می‌خواهد شیعه در لبنان نباشد.» به اینجا که رسید دست‌هایش بالا رفت و با لحن غلیظ عربی گفت: «فقط دعا.»

فاطمه هی حرف زد و من به این فکر می کردم که چقدر به هم نزدیک تر شده‌ایم؛ بیشتر از اربعین دو سال قبل که در همین خانه پای درددل‌شان نشسته بودم. ما این بار آدم هایی بودیم از کشورهای مختلف که جنگ نزدیک ترمان کرده بود. توی آن خانه همه‌مان از ته دل خواهان نابودی اسرائیل بودیم. حالا انگار معنای امت واحده را با تمام وجود حس می‌کردیم.

چرا جامعه بیش از هرزمان، به کمدی شریف نیاز دارد؟

در ستایش خنده‌ای شریف در روزگار شوخی‌های سخیف



مرضیه کیان، خبرنگار: شاید در هیاهوی فشارهای روزمره، دویدن‌های بی‌پایان در چرخ‌دنده‌های معیشت و اضطراب‌های ریز و درشتی که از در و دیوار زندگی مدرن می بارد، صحبت از سرگرمی در نگاه اول لوکس یا کم‌اهمیت به نظر برسد؛ اما واقعیت زیست جمعی امروز چیز دیگری می‌گوید. انسان معاصر، بیش از هرزمان دیگری در تاریخ، محتاج فضاهایی برای تنفس، رهایی از خستگی‌های فرساینده روحی و تجربه لحظاتی سبک‌بار و شاد در کنار کسانی است که دوست‌شان دارد. چه از قاب نقره‌ای سینما، چه در قاب کوچک پلتفرم‌های خانگی و چه در فضای نفس‌به‌نفس سالن‌های تئاتر، «حال خوب» دیگر یک تفریح حاشیه‌ای نیست؛ یک ضرورت حیاتی برای تاب‌آوری اجتماعی و ترمیم رشته‌های پیوند خانواده است؛ ضرورتی که متاسفانه در بازار آشفته تولیدات امروز، کمتر پاسخ درخور و شایسته‌ای دریافت می‌کند.

جامعه امروز ایران در وضعیتی از اضطراب مستمر نفس می‌کشد. انباشت اخبار ناخوشایند، شتاب روزمرگی و دغدغه‌های مکرر اقتصادی، نوعی فرسودگی مزمن روانی را به ارمغان آورده است. در چنین اتمسفری، خانه و خانواده آخرین سنگر برای بازیابی آرامش است؛ اما خود این نهاد نیز نیازمند تغذیه فرهنگی و روحی است. انسان نمی‌تواند مدام در محاصره تنش باشد و از او انتظار همدلی و سلامت روان داشت.

اینجاست که هنر سرگرمی‌ساز، از سینما و پلتفرم‌های نمایش خانگی (VOD) گرفته تا صحنه زنده تئاتر، نقش یک پناهگاه جمعی را پیدا می‌کند. رفتن به سالن نمایش یا نشستن پای یک اثر داستانی، قرار است همان لحظه فرار از واقعیت زمخت خیابان باشد؛ بزنگاهی که در آن خستگی‌ها برای ساعتی پشت درجا می‌ماند، ضربان قلب‌ها با هم تنظیم می‌شود و اکسیژن خنده، رخوت روح را می‌تکاند. اما پرسش اصلی اینجاست: آنچه امروز به نام کمدی و شادی پیش روی مخاطب و خانواده‌ها گذاشته می‌شود، تا چه اندازه این رسالت درمانی و التیام‌بخش را به انجام می‌رساند؟

کمدی، در منگنه‌ای میان سیاه‌نمایی روشنفکرانه و لودگی سخیف

اگر با عینکی نقادانه به ویترین فرهنگی این روزها نگاه کنیم، خانواده ایرانی در انتخاب یک اثر مفرح در یک تنگنای آزاردهنده گرفتار شده است. از یک سو، با آثاری مواجهیم که چنان در تلخی، پوچ‌انگاری و سیاهی افراطی غرق شده‌اند که مخاطب پس از تماشای آنها، به جای سبکی، باری مضاعف از رخوت و ناامیدی را بر دوش خود حس می‌کند. آثاری که گویی رسالت خود را نه بیداری یا امید، بلکه بازتولید یاس می‌دانند.

اما فاجعه‌بارتر، سوی دیگر این ماجراست: بخشی از جریان کمدی در سینما، شبکه نمایش خانگی و حتی سالن‌های تئاتر آزاد و خصوصی، به نازل‌ترین سطوح ممکن سقوط کرده است. متولیان این جریان با این پیش‌فرض توهین‌آمیز که مخاطب خسته را فقط با ابتذال می‌توان خنداند، دست به دامن سخیف‌ترین متلک‌های جنسی، پرده‌دری‌های زبانی و تمسخر هویت‌ها شده‌اند. نتیجه کاملا روشن است: حذف خانواده از گردونه مصرف فرهنگی. امروز پدری که بخواهد همراه فرزند نوجوانش فیلمی ببیند یا تئاتری تماشا کند، ناچار است تمام مدت اضطراب دیالوگ بعدی را داشته باشد؛ شرمندگی و گوش بریدن‌هایی که شیرینی خنده را به اضطراب تبدیل می‌کند. تماشاگر ایرانی نه یک خنده تحمیلی و آمیخته به گناه، بلکه کمدی شریف، با اصالت و تمیز می‌خواهد که بدون سرخ شدن گونه‌ها، خنده را بر لبان همه اعضای خانواده بنشاند.

بازگشت به آیین‌های زیست مشترک

درمیان همه ابزارهای سرگرمی‌ساز، تئاتر ویژگی منحصر به فردی دارد که نه VODها با همه تنوع‌شان قادر به بازتولید آن هستند و نه سینما. تئاتر، آیین حضور است؛ آیین زیست مشترک انسان‌ها در تاریکی سالن و در برابر هنرمندانی که گوشت و پوست دارند و با هر دیالوگ، با نبض تماشاگر هماهنگ می‌شوند. تماشای زنده یک اثر کمدی، پیوند و گرمای اجتماعی ملموسی می‌آفریند که فردیت منزوی جهان دیجیتال را می‌شکند.

وقتی خانواده‌ها در یک سالن نمایش در کنار یکدیگر می‌خندند، نوعی تخلیه هیجانی و حس همبستگی جمعی شکل می‌گیرد که هیچ صفحه نمایش تختی قادر به خلق آن نیست. اما این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که صحنه به زبان فرهنگ خودی سخن بگوید؛ با افسانه‌ها، شوخی‌های ناب زبانی و ظرافت‌هایی که ریشه در تاریخ و ذائقه مشترک ما دارند، نه کپی‌برداری‌های خام‌دستانه از نمونه‌های خارجی یا شوخی‌های شبکه‌های اجتماعی.

تولد دوباره امید در دل یک کمدی شریف

خوشبختانه در میان این خشکسالی آثار درخور، هنوز جرقه‌هایی از امید وجود دارد که نشان می‌دهد می‌توان مخاطب را از ته دل خنداند، بی‌آنکه حریمی شکسته یا به هوش تماشاگر توهین شود. نمونه بارز و عینی چنین جریانی، نمایش‌هایی هستند که از دل هنر اصیل، نمایش‌های سنتی و هویت بومی زاده می‌شوند؛ آثاری چون نمایش کمدی «پهلوان قلیچ» که توانسته پاسخی درست به همین تشنگی فرهنگی خانواده‌ها ارائه دهد.

این اثر کمدی که توانست در چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر نیز عنوان بهترین اثر کمدی را از آن خود کند، اثبات می‌کند که فرمول خنداندن ایرانیان لزوما از مسیر لودگی نمی‌گذرد. نویسندگان و کارگردانان این اثر (رضا محمدیان جوادی و حسین قاسمی) به پشتوانه غنای زبان فارسی و تلفیق هوشمندانه ادبیات کوچه، لحن مرشدخوانی، نقالی و زبان روزمره، روایتی خلق کرده‌اند که تماشاگر از نفس افتاده شهری را ۹۰ دقیقه تمام به خنده‌های عمیق و سالم مهمان می‌کند.

در این نمایش، مخاطب به جای متلک‌های ناروا، شاهد شوخی با سبک زندگی‌های نامتعارف، طعنه به شیفتگی‌های دروغین و نقد موقعیت‌های روزمره است. قصه، سفر مردی است که برای اثبات خویشتن راهی آزمون‌های دشوار می‌شود، اما بزرگ‌ترین نقطه قوت اثر در این است که پیام جوانمردی، بخشش و گذشت از غرور را نه در قالب موعظه‌های خشک، بلکه در بستر پرشورترین لحظات کمیک و خانوادگی به مخاطب هدیه می‌دهد. تماشاگر با خیالی آسوده همراه با فرزند، همسر یا والدینش به تماشای آن می‌نشیند و سالن را با روحیه‌ای تجدیدشده و حال خوب ترک می‌کند.

مجالی کوتاه برای تنفس در هیاهوی شهر

حمایت از چنین جریان‌هایی و دیده شدن آثاری از این جنس، صرفا کمک به یک گروه نمایشی نیست؛ دفاع از حق جامعه برای داشتن سرگرمی سالم است. استقبال مردم از چنین آثاری نشان می‌دهد که جامعه تشنه حال خوب، قصه اصیل و خنده بی‌پیرایه است.

نمایش کمدی «پهلوان قلیچ» (به تهیه‌کنندگی علی شیرمحمدی و تولید خانه نمایش امید) این شب‌ها در تالار حافظ تهران (واقع در خیابان حافظ، خیابان استاد شهریار، روبه‌روی تالار وحدت) آخرین روزهای اجرای پاییزی خود را سپری می‌کند. این نمایش هر شب در یک نوبت و در ساعت ۲۱ روی صحنه می‌رود و با توجه به محدود بودن روزهای باقی‌مانده از دور اجرای آن، فرصتی مغتنم برای خانواده‌ها و علاقه‌مندان به هنر نمایش است تا فارغ از غوغای جهان بیرون، ساعتی را در امنیت خنده‌ای شریف و جان‌بخش تنفس کنند.

روایت خبرنگاری که غزه را ترک نکرد

فکر کردم خانواده‌ام کشته شده‌اند

هدی حجازی، خبرنگار هیسپان‌تی‌وی در غزه، از روزهای بمباران، ترس از مرگ خانواده و چرایی ماندنش می‌گوید.

امکانش را داشته که پس از مدت‌ها کار طاقت‌فرسای خبرنگاری در غزه، این باریکه خونین را ترک کند؛ اما مانده و همچنان در کنار مردم غزه، از ضرورت ادامه روایت رنج و مقاومت آنان می‌گوید.

هدی حجازی، خبرنگار شبکه اسپانیایی‌زبان هیسپان‌تی‌وی در غزه، درآستانه سومین سالگرد طوفان الاقصی، از ویرانی گسترده زیرساخت‌ها، آوارگی، کمبود غذا و دشواری‌های فعالیت خبرنگاران در شرایط بمباران و محدودیت‌های شدید روایت می‌کند؛ خبرنگاری که می‌گوید تاب می‌آورد تا داستان زنان و خانواده‌های فلسطینی را از زاویه‌ای متفاوت روایت کند و اجازه ندهد این روایت‌ها از حافظه جهان ناپدید شوند.

هدی عماد حجازی، ۲۸ ساله و متولد اسپانیا، بیش از هشت سال است که با هیسپان‌تی‌وی همکاری می‌کند و از ابتدای طوفان الاقصی، تحولات غزه را به‌صورت میدانی برای این شبکه اسپانیایی‌زبان پوشش داده است.

او در تشریح تغییرات غزه طی سال‌های گذشته می‌گوید: «تقریبا همه‌چیز تغییر کرده است؛ غزه از جامعه‌ای که با وجود محاصره و دشواری‌های بسیار تلاش می‌کرد به زندگی روزمره خود ادامه دهد، به مکانی تبدیل شده که جنگ آن را ویران کرده است.»

وی می‌افزاید: ما شاهد تخریب خانه‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس و بخش بزرگی از زیرساخت‌های اساسی، همچنین شاهد آوارگی گسترده مردم و کمبود غذا، آب، برق و خدمات پزشکی بوده‌ایم. به گفته این خبرنگار، حتی ابتدایی‌ترین مسائل زندگی روزمره نیز به یک مبارزه تبدیل شده است؛ پیدا کردن جایی امن برای خوابیدن یا دسترسی به آب سالم می‌تواند یک چالش باشد و شاید دردناک‌تر از همه این باشد که مرگ و ویرانی به بخشی از زندگی روزمره تبدیل شده است.

روزهایی که تصور کردم خانواده‌ام کشته شده‌اند

حجازی در پاسخ به پرسشی درباره دشوارترین لحظه‌ای که از هفت اکتبر ۲۰۲۳ شاهد آن بوده یا آن را پوشش داده، از روزی می‌گوید که نزدیک به دو هفته امکان برقراری ارتباط با خانواده‌اش را نداشته است. او می‌گوید: یکی از دشوارترین لحظات زمانی بود که تقریبا دو هفته نتوانستم با خانواده‌ام ارتباط برقرار کنم. ناگهان از اخبار شنیدم که ساختمانی بمباران شده و دقیقا همان نامی را داشت که ساختمانی که خانواده‌ام در آن اقامت داشتند. وی ادامه می‌دهد: حتی نام خانواده من نیز مطرح شد. در آن لحظه که فکر کردم آنها کشته شده‌اند، از حال رفتم و ساعت‌ها گریه کردم، تا اینکه سرانجام متوجه شدم ساختمانی که بمباران شده بود، درواقع ساختمان درست مجاور محل اقامت خانواده‌ام بوده و هر دو ساختمان نام یکسانی داشتند. این خبرنگار همچنین یکی دیگر از لحظات دشوار دوران فعالیت خود در غزه را روایت می‌کند: یک شب، حدود ساعت دو بامداد، چادرهایی که درست درکنار چادرهای ما و دیگر همکارانمان بودند، بمباران شدند. ما برای نجات جانمان دویدیم، درحالی که همه‌چیز در اطرافمان در آتش می‌سوخت. ما به‌طور معجزه‌آسایی زنده ماندیم. اینها لحظاتی هستند که هرگز فراموش نمی‌کنم.

پشت هر عدد، یک انسان و یک خانواده وجود دارد

حجازی درباره نحوه انعکاس جنگ غزه در رسانه‌های بین‌المللی معتقد است که مرگ و ویرانی در بسیاری از موارد صرفا به شکل عدد یا بخشی از یک جنگ ارائه شده است، در حالی که «پشت هر عدد، یک انسان، یک خانواده و یک داستان وجود دارد.»

او می‌گوید: معتقد هستم تاثیر حملات به بیمارستان‌ها، آمبولانس‌ها و کارکنان حوزه پزشکی به‌اندازه کافی روایت نشده است؛ همچنین آنچه بر سر یک جامعه می‌آید، وقتی بخش بزرگی از نظام درمانی و خدمات بهداشتی خود را از دست می‌دهد، به‌اندازه کافی بازتاب پیدا نکرده است. این خبرنگار هیسپان‌تی‌وی هشدار می‌دهد که طولانی شدن چنین شرایطی می‌تواند خطر عادی شدن آن را به همراه داشته باشد.

یک نفر باید باشد تا داستان را روایت کند

گزارشگری از میدان جنگ، آن هم در شرایط بمباران، آوارگی و محدودیت‌های شدید، برای حجازی تجربه‌ای پرخطر بوده است: «بسیار دشوار است. ما اغلب در حالی کار کرده‌ایم که بمباران در جریان بوده و دائما این احساس را داشته‌ایم که ممکن است بمب بعدی روی سر ما فرود بیاید.» وی ادامه می‌دهد: نمی‌دانید آیا می‌توانید گزارش خود را به پایان برسانید، به چادرتان برگردید یا دوباره خانواده‌تان را ببینید.

به گفته حجازی، خبرنگاران در این مدت مجبور بوده‌اند دائما جابه‌جا شوند و در شرایطی بسیار دشوار، بدون حریم خصوصی یا امکانات اولیه زندگی کنند و برای دسترسی به غذا، آب و وسایل حمل‌ونقل نیز با مشکلات زیادی مواجه بوده‌اند. با این حال، او تاکید می‌کند: اما می‌دانید که یک نفر باید آنجا باشد تا این داستان را روایت کند.

مسئولیت خبرنگاری؛ دلیلی برای ادامه دادن

حجازی درباره اینکه چه چیزی خبرنگارانی مانند او را در چنین شرایط دشوار و خطرناکی به ادامه کار وادار می‌کند، می‌گوید: بیش از هرچیز، این مسئولیتی است که به عنوان خبرنگار بر عهده داریم.

او توضیح می‌دهد: ما احساس می‌کنیم نمی‌توانیم داستان‌های مردمی را که همه این شرایط را پشت سر می‌گذارند، رها کنیم. بارها با خودمان فکر می‌کنیم اگر روایت آنچه را که درحال وقوع است متوقف کنیم، بسیاری از این داستان‌ها به‌سادگی ناپدید خواهند شد.

این خبرنگار می‌افزاید: برای من، حضور در میدان و رساندن صدای مردمی که رنج می‌کشند، بخشی از مسئولیت حرفه‌ای من است؛ اما در عین حال، چیزی عمیقا انسانی نیز هست. همین احساس مسئولیت است که باعث شده حتی در دشوارترین لحظات به کارم ادامه دهم.



غزه را از صحبت‌ها و روایت‌های‌تان پاک نکنید

حجازی در پاسخ به این پرسش که اگر بخواهد یک پیام به مخاطبان سراسر جهان که وقایع غزه را از دور دنبال کرده‌اند منتقل کند، چه خواهد گفت، تاکید می‌کند: «پیام من این است: غزه را از صحبت‌ها و روایت‌های‌تان پاک نکنید.» او ادامه می‌دهد: اجازه ندهید غزه صرفا به این دلیل که زمان گذشته است، از اخبار ناپدید شود. مردم غزه همچنان در شرایطی ویرانگر زندگی می‌کنند و همچنان نیاز دارند که جهان آنها را ببیند و صدایشان را بشنود. این خبرنگار می‌گوید: تا زمانی که ما هنوز اینجا هستیم، نیاز داریم مردم خارج از غزه همچنان درباره آن صحبت کنند و آن را فراموش نکنند.

چرا غزه را ترک نکرد؟

حجازی که امکان ترک غزه را داشته، اما تصمیم گرفته در این منطقه بماند و به فعالیت حرفه‌ای خود ادامه دهد، درباره دلیل این تصمیم می‌گوید: این تصمیم حاصل ترکیبی از عوامل مختلف بود، اما بیش از هرچیز، مسئولیت من به عنوان یک خبرنگار و کارم بود. وی توضیح می‌دهد: می‌دانستم که امکان ترک غزه را دارم؛ اما در عین حال می‌دانستم که ترک غزه به معنای پشت سر گذاشتن داستان‌هایی است که مدت‌ها درباره آنها گزارش تهیه کرده بودم و همچنین مردمی که برای مدت طولانی با آنها کار کرده بودم. حجازی می‌افزاید: احساس کردم دقیقا در زمانی که شرایط تا این اندازه جدی است، جای من به عنوان یک خبرنگار اینجاست، در میدان، برای گزارش دادن و گفتن اینکه چه اتفاقی در حال رخ دادن است. او درباره دشواری این تصمیم نیز می‌گوید: این تصمیم آسانی نبوده، اما احساس کردم باید به کارم ادامه دهم.

دشواری‌های یک خبرنگار زن در غزه

حجازی درباره تجربه خود به عنوان یک زن جوان خبرنگار در محیطی خطرناک می‌گوید: زن بودن و خبرنگار بودن در طول این جنگ، به طور ویژه دشوار بوده است. به گفته او، مسئله فقط خطرات کار کردن زیر بمباران نیست؛ فقدان حریم خصوصی و امکانات اولیه زندگی نیز بر این دشواری افزوده است. وی توضیح می‌دهد: ما مجبور بوده‌ایم در چادر زندگی و کار کنیم؛ اغلب نمی‌دانستیم کجا می‌توانیم خودمان را بشوییم، کجا می‌توانیم از سرویس بهداشتی استفاده کنیم یا چگونه می‌توانیم ابتدایی‌ترین میزان حریم خصوصی را داشته باشیم.

روایت متفاوت زنان و خانواده‌ها

حجازی درباره اینکه آیا زن بودن باعث شده نگاه متفاوتی به داستان زنان و خانواده‌های درگیر جنگ داشته باشد، می‌گوید: بله. معتقدم زن بودن به من این امکان را می‌دهد که به برخی داستان‌ها با رویکردی متفاوت نزدیک شوم.

وی اضافه می‌کند: بسیاری از زنان و خانواده‌ها ممکن است در صحبت کردن با من درباره تجربیات بسیار شخصی خود احساس راحتی بیشتری داشته باشند. همچنین به عنوان یک زن احساس می‌کنم برخی شرایط را نزدیک‌تر تجربه و درک می‌کنم.

از پزشکان تا چهره‌های مرتبط با مقاومت

این خبرنگار هیسپان‌تی‌وی درباره چهره‌های برجسته‌ای که در طول این مدت فرصت گفت‌وگو با آنها را داشته است، می‌گوید: در این مدت، این فرصت را داشته‌ایم که با چهره‌های برجسته مختلفی که ارتباط مستقیمی با واقعیت غزه داشته‌اند، گفت‌وگو کنیم. به گفته حجازی، از جمله این افراد پزشکان و چهره‌هایی از نظام سلامت، از جمله مدیر مجتمع پزشکی الشفا، سخنگوی دفاع مدنی فلسطین، همچنین چهره‌هایی مرتبط با مقاومت فلسطین و افرادی از بخش‌های مختلف جامعه فلسطین بوده‌اند. او در پایان می‌گوید: این مصاحبه‌ها به ما اجازه دادند ابعاد مختلف آنچه را در حال رخ دادن است، به تصویر بکشیم؛ از تخریب نظام سلامت و عملیات امداد و نجات گرفته تا وضعیت سیاسی و واقعیت‌های موجود در میدان.

«پسر آقای دادستان» به کتابفروشی‌ها آمد



کتاب «پسر آقای دادستان» با موضوع زندگی شهید محمدحسن قدوسی، فرزند شهید آیت‌الله علی قدوسی و حاجیه خانم نجم‌السادات طباطبایی، دختر علامه سیدمحمدحسین طباطبایی، منتشر شد.

این کتاب در ۳۲۲ صفحه، روایت زندگی شهید محمدحسن قدوسی را از خلال خاطرات و روایت‌های مادرش بازگو می‌کند؛ روایتی که تنها به زندگی این شهید محدود نمی‌شود و در خلال آن، بخش‌هایی کمتر روایت شده از زندگی یک خانواده علمی، فرهنگی و مبارز در تاریخ معاصر ایران نیز بازخوانی شده است.

حاجیه خانم نجم‌السادات طباطبایی، راوی اصلی کتاب، دختر علامه سیدمحمدحسین طباطبایی و همسر شهید آیت‌الله علی قدوسی است.

خاطرات او، مخاطب را از سال‌های کودکی و شکل‌گیری خانواده طباطبایی تا زندگی خانوادگی و اجتماعی شهید آیت‌الله قدوسی و در نهایت زندگی، تحصیل، فعالیت‌ها و شهادت فرزندش محمدحسن قدوسی همراه می‌کند.

این کتاب حاصل ۲۲ جلسه و بیش از ۵۰ ساعت گفت‌وگو با حاجیه خانم نجم‌السادات طباطبایی است که از ۱۰ مرداد ۱۴۰۰ تا ۹ مهر ۱۴۰۱ در منزل ایشان انجام شده است.

مریم شریفی، نویسنده کتاب، در مقدمه درباره این گفت‌وگوها نوشته است: «حافظه طلایی حاج خانم که به شکلی باورنکردنی، جزیی‌ترین مشاهدات و شنیده‌ها را از کودکی تا سالمندی ثبت و ضبط کرده، بزرگ‌ترین مددکار من در مسیر این روایتگری بوده.»

یکی از روایت‌های کتاب به روزهایی بازمی‌گردد که محمدحسن قدوسی در آستانه یکی از عملیات‌های دفاع مقدس، از همراهی با همرزمانش جا مانده بود؛

«مدام با حسرت می‌گفت: «عملیات در پیشه. این‌ها من رو گذاشتن و رفتن. می‌دونم، از عملیات جا می‌مونم.»

آنقدر افسوس خورد که عاقبت پدرش گفت: «دلت می‌خواد بری به عملیات برسی؟ باشه. من می‌فرستمت بری.»

آقای قدوسی نامه‌ای نوشت و درخواست کرد که حسن را فردا با اولین پرواز موجود هواپیماهای جنگی به اهواز بفرستند تا بتواند به همرزمانش در عملیات ملحق شود.

این اولین و آخرین توصیه دادستان کل انقلاب برای اعضای خانواده‌اش بود.»



حامد جعفری، دبیر سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان:

سینمای کودک و نوجوان باید «شهروند درجه یک» فرهنگ و هنر باشد



قهوه‌خانه چاه حاج میرزا - اصفهان

سیر فرهنگی قهوه در ایران؛ از پاتوق صفوی تا فضای سوم شهری

توهم غربی بودن یک عادت دیرینه شهری

در هیاهوی هر روزه شهرهای ما، ایستادن پای پیشخوانی مدرن و سفارش یک فنجان لاته یا اسپرسو، در وهله اول تصویری یکسره وارداتی و غربی را به ذهن می‌آورد. گویی پیش‌فرض پذیرفته شده این است که قهوه‌نوشی پدیده‌ای تازه است و از میل پایان ناپذیر طبقه متوسط به گرته برداری از سبک زندگی فرنگی ریشه می‌گیرد. اما کافی است نگاهی به تاریخ اجتماعی این جغرافیا بیندازیم تا سستی این گزاره آشکار شود. بسیار پیش از آنکه سماورها به جوش بیایند و استکان‌های کمرباریک راه‌شان را به اندرونی‌ها و دربارها باز کنند و حتی دهه‌ها قبل از آنکه نخستین قهوه خانه‌ها در لندن یا پاریس پا بگیرند، شهرهای مرکزی ایران نبض حیات جمعی‌شان را با رایحه دانه‌های برشته قهوه کوک می‌کردند. قهوه در تاریخ ایران کالایی غریب و بیگانه نبود، بلکه نخستین محرک شکل‌گیری فضاهای فراغت مدنی و گردهمایی‌های همگانی به شمار می‌رفت؛ سنتی دیرین که در گذر قرن‌ها دستخوش استحاله شد و سرانجام بار دیگر جانی تازه یافت.

پیدایش قهوه خانه‌ها در عصر صفوی، به ویژه در اصفهان شکوفا، نقطه عطفی در بازآفرینی روابط شهری بود. تا پیش از آن مقطع، فضاهای گردهمایی مردم در عمل در سه نهاد خلاصه می‌شد؛ مساجد برای نیایش و مناسک، بازار برای دادوستد و حمام برای پاکیزگی و دیدارهای گاه‌به‌گاه. قهوه‌خانه برای نخستین بار عرصه‌ای فراغتی و غیرمذهبی پدید آورد؛ مکانی که غایت وجودی‌اش چیزی جز جمع شدن، آسودن و گفت‌وگو نبود.

قهوه‌خانه صفوی؛ تمرین زیست مدنی در غیاب رسانه

ژان شاردن، جهانگرد فرانسوی قرن هفدهم، در شرح قهوه‌خانه‌های میدان نقش جهان و چهارباغ، تصویری زنده از این کانون‌های نوظهور به دست می‌دهد. او با شگفتی از روادای و آزادی بیانی یاد می‌کند که در این فضاها موج می‌زد؛ جایی که عملکرد کارگزاران دیوان و حتی شخص شاه با صراحتی کم‌نظیر در دنیای آن روز، به تیغ نقد کشیده می‌شد. قهوه‌خانه صفوی در روزگار بی‌مطبوعاتی، نقش یک «حوزه عمومی» پیشامدرن و رسانه‌ای زنده را بر عهده داشت. شاعران مکتب اصفهان و سبک هندی در قهوه خانه‌های نامداری چون «عرب» یا «بابا شمس» می‌نشستند و بر شعر هم حاشیه می‌زدند؛ در گوشه‌ای دیگر نقالان منظومه‌های حماسی را جان می‌بخشیدند و صفحه‌های شطرنج گسترده می‌شد. حتی پادشاهانی چون شاه عباس نیز سرزده در این محافل حاضر می‌شدند تا پای سخن اهل نظر بنشینند. این فضاها توانستند خط‌کشی‌های طبقاتی را کم‌رنگ کنند و درباری، شاعر، تاجر، طلبه و پیشه‌ور را در تجربه‌ای مشترک از ارتباط مدنی کنار یکدیگر بنشانند.

چای آمد و نام قهوه بر سردر قهوه‌خانه‌ها منجمد شد

در دوره قاجار، جغرافیای تجارت دستخوش چرخشی بنیادین شد. با تسلط بریتانیا بر تولید چای در هند و گشوده شدن مسیرهای بازرگانی روسیه در شمال، برگ‌های چای بسیار سریع‌تر، مطمئن‌تر و ارزان‌تر از دانه‌های قهوه یمن و عثمانی در دسترس قرار گرفت. چند دهه‌ای نگذشت که ذائقه همگانی به این دم‌نوش سرخ‌فام متمایل شد اما واژه «قهوه‌خانه» بر پیشانی تابلوها و زبان روزمره مردم دست‌نخورده باقی ماند.

این دگرگونی را می‌توان نوعی انجماد زبانی نامید؛ کالبد فضا بر جای ماند، اما روح و محتوای آن زیرورو شد. آن شکوه معمارانه و گستردگی طبقاتی قهوه خانه‌های صفوی جای خود را به حجره‌های تاریک و پاتوق‌های سنتی داد. فضا سراسر مردانه، غیررسمی و پناهگاه طبقات فرودست، کارگران فصلی و اهل بازار شد؛ کنجی برای خوردن دیزی، چای قندپهلو و کشیدن قلیان. طعم اصیل قهوه از زیست و حافظه حسی مردم رخت بربست و مصرفش به اندرونی‌های دربار ناصری و آیین‌های تصفیه سیاسی با قهوه قجری محدود ماند، تا این نوشیدنی به‌کلی از پهنه مراودات اجتماعی کنار گذاشته شود.

فنجان اسپرسو، ابزار تازه تمایز و تعلق طبقاتی

بازگشت دوباره قهوه به شهرها در دهه‌های اخیر، پیوندی با آن میراث دیرین قهوه خانه‌ای نداشت؛ این بار قهوه در هیات نشانه‌ای تازه از مدرنیته و تمایز طبقاتی ظهور کرد. با گسترش کافی‌شاپ‌ها از اواخر دهه ۷۰ خورشیدی، فنجان قهوه به کانون مصرف نمادین و نمایشی بدل شد.

در دست گرفتن لیوان‌های کاغذی در خیابان‌ها یا سفارش یک شات اسپرسوی تلخ پشت پیشخوان‌های خیابانی کوچک، به زبانی برای نمایش سبک زندگی و فاصله‌گیری از سنت‌های چای‌نوشی تعبیر شد. این پدیده تازه رفته‌رفته با «موج سوم قهوه» و آگاهی تخصصی از خاستگاه دانه‌ها، زیروبم برشته‌کاری و شیوه‌های دم‌آوری گره خورد. واژه‌های غربی و تازه آمریکانو، لاته، رست و روش‌های قطره‌ای، فراتر از نام چند نوشیدنی، به سرمایه‌ای فرهنگی تبدیل شدند که طبقه متوسط نوپا به مدد آن مرزهای هویتی خود را نشانه‌گذاری می‌کرد. جوانان شهری با مصرف قهوه و پیوستن به آیین‌های مدرن آن، نه‌فقط نیازی حسی را پاسخ می‌دادند، بلکه منزلت و موقعیتی متمایز را در صحنه بصری شهر به نمایش می‌گذاشتند.

پناهگاهی برای تنفس میان خانه و کار یا فضایی برای نمایش تمایز؟

امروزه کافه نشینی از دایره رفتارهای نمایشی عبور کرده و معنایی عمیق‌تر در جامعه‌شناسی شهری یافته؛ معنایی که فهم آن بدون ایده «فضای سوم» ری اولدنبرگ ممکن نیست. در نظریه اولدنبرگ، انسان شهری در کنار خانه (فضای اول) که بستر پیوندهای خانوادگی و نگاه‌های نظارتی است و محیط کار (فضای دوم) که عرصه تکالیف اداری، مسئولیت‌های شغلی و انضباط سازمانی است، نیازمند فضایی سوم برای برقراری ارتباطی آزادانه، خودانگیخته و فراغتی است. در زیست امروز جامعه ما، کافه دقیقا کارکرد چنین پایگاه غیررسمی را بازتولید می‌کند. کافه انگار سنگری در برابر فرسایش اداری و شغلی و مفری موقت از فضای سنتی خانواده است.

اما واقعیت میدانی در ایران امروز، فاصله معناداری با این تصویر پیدا کرده. جهش سرسام‌آور قیمت‌ها و هزینه سنگین منوها، کافه را از بستری همگانی و در دسترس، به فضایی شدیدا گزینشی و طردکننده بدل کرده است. با کالایی شدن این فضا و غلبه فرهنگ بصری شبکه‌های اجتماعی، کافه‌ها کارکرد گفت‌وگومحور و عمومی «فضای سوم» را تا حد زیادی از دست داده‌اند. امروز این کنج‌های شهری بیش از آنکه مجالی برای تنفس جمعی باشند، به صحنه‌آرایی‌هایی لوکس برای ثبت تصویر، نمایش سبک زندگی و اثبات تعلق به طبقه‌ای برخوردار تغییر ماهیت داده‌اند؛ جایی که حضور در آن، پیش از هر چیز، نمایشی از تمایز است.

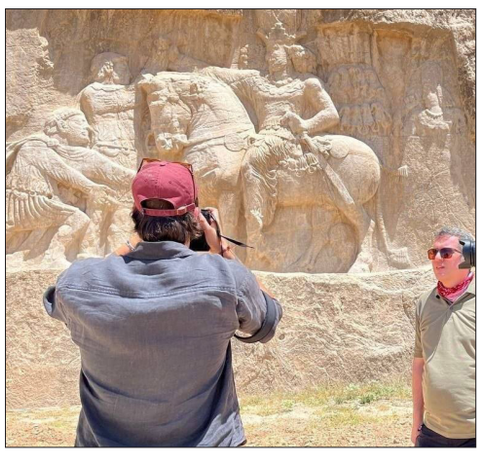
از طعم گفت‌وگو تا زشت ماچا

سرگذشت قهوه در ایران بازتابی است از فرازو فرودهای زیست جمعی در این سرزمین. قهوه کارش را با گشودن نخستین افق‌های گفت‌وگوی مدنی و برابری کلامی در قهوه‌خانه‌های اصفهان صفوی آغاز کرد، در رکود دوران قاجار جایش را به چای بخشید تا نامش بر تابلوی پاتوق‌های سنتی منجمد شود و چند دهه پیش در سیمای کالایی لوکس برای فاصله‌گذاری طبقاتی تجدید حیات یافت.

برخلاف این تلقی خوش‌بینانه که کافه امروز دیگر صحنه‌ای برای تفاخر نیست و مجالی است برای تنفس عمومی اما بیش از آنکه پناهگاهی برای تنفس باشد، به صحنه تمام‌عیار مصرف نمایشی بدل شده است. کافه‌نشینی دیگرنه تمرین زیست مدنی، بلکه ابزاری برای نمایش سرمایه و تشخص طبقاتی است. شاید روشن‌ترین تصویر این روزها را بشود در تب‌وتاب «ماچا» در کافه‌ها دید که از دل سنتی آرام و شرقی بیرون آمد و ناگهان به نمادی از یک زندگی شیک بدل شد. سفارش دادن ماچالاته دیگر چندان ربطی به طعم یا ذائقه نداشت؛ بیشتر ژستی بود پیش چشم دوربین‌ها و قاب گوشی‌ها؛ تصویری خوش‌رنگ که بی‌صدا قرار بود تفاوت سلیقه، تمایز و تعلق به دنیایی خاص‌تر را یادآوری کند.

تولید مشترک میان ایران و اتریش در مراحل نهایی تدوین

نگاه متفاوت عکاس اروپایی به ایران در قاب پرس تی‌وی



شبکه پرس تی‌وی تولید مستند ۵۲ دقیقه‌ای «جایی که نور به خاطر می‌آورد» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی مهدی باقری را با روایتی بی‌واسطه و نگاهی بدون قضاوت از حضور یک عکاس خارجی در ایران در دستور کار قرارداده است که براساس تجربیات زیسته این هنرمند در شهرهای مختلف ایران شکل می‌گیرد.

به گزارش «آگاه» از روابط عمومی شبکه پرس تی‌وی، مستند «جایی که نور به خاطر می‌آورد» مهدی باقری، اثری است که نه به دنبال کشف امور نامکشوف، بلکه در پی بازنمایی صادقانه آن چیزی است که در هیاهوی روزمره، از چشم ما پنهان می‌ماند و در کانون توجه قرار نمی‌گیرد. لوکیشن‌های این مستند حول سفر لورین استرله، عکاس خبری بین‌المللی جنگ و بحران، در ایران و اتریش است و هم‌اکنون ضمن تدوین همزمان، با تصویربرداری بخش اتریش، وارد مراحل نهایی می‌شود.

تهیه‌کننده این مستند با تاکید بر اینکه نباید این مستند را یک فیلم زندگی‌نامه صرف تلقی کرد، تصریح کرد: در مستند «جایی که نور به خاطر می‌آورد» ما شاهد پرتره حضور متفاوت یک هنرمند در خاک ایران هستیم که تنها بخش کوچکی از زندگی او را در مواجهه با ایران و نگاه تازه لورین به سرزمین ایران و ایرانیان نشان می‌دهد و حتی برای خود من نیز به عنوان یک ایرانی که در این فضا زندگی می‌کنم، تازه و جذاب است. باقری افزود: این مستند حاصل ۱۵ روز تصویربرداری اولیه در شهرهای تهران، شیراز، میناب، بندرعباس و لامرد است و قرار است بخش مکمل این روایت تصویری، در محل زندگی عکاس یعنی شهروین رقم بخورد.

این تهیه‌کننده با اشاره به اینکه مهم‌ترین ویژگی لورین در ثبت تصاویر، برقراری پیوند عاطفی عمیق با مردم بود، افزود: قرار نیست فقط شاهد فیلمبرداری از یک هنرمند باشیم، بلکه تمرکز اصلی بر نگاه دقیق یک عکاس به سوژه‌هاست؛ نگاهی که تلاش می‌کند دور از کلیشه‌های معمول و با آگاهی از فضای سیاسی پیچیده پیرامون ایران، رویکردی جدید به این کشور که در کانون اخبار دنیاست، داشته باشد. باقری که علاوه بر تهیه‌کنندگی، کارگردانی مستند را نیز بر عهده دارد، یادآور شد: تصویربرداری بر عهده مهدی آزادی با دستیاری وحید ورمزیار بوده و صدابرداری را احمدرضا طایی و صداگذاری را مهرشاد ملکوتی بر عهده دارند. همچنین تصحیح نور و رنگ را رضا تیموری به انجام می‌رساند.

به گفته تهیه‌کننده و کارگردان «جایی که نور به خاطر می‌آورد»، بخش ایران مستند جدید شبکه پرس تی‌وی در مرحله تدوین است و بخش وین آن نیز تصویربرداری خواهد شد. در صورت پیشرفت طبق برنامه پیش‌بینی‌شده، مستند انتهای آذر آماده نمایش خواهد بود.

مروری بر ۱۵ اثر بخش مسابقه بلند داستانی

صف‌آرایی چهره‌ها در جشنواره پروانه‌ها



بخش مسابقه داستانی سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان (۱۱ تا ۱۶ مهر در اصفهان)، میزبان ۱۵ اثر سینمایی در گونه‌های پویانمایی، درام، معمایی، فانتزی و اجتماعی است. در این دوره، سینماگران و چهره‌های نام‌آشنایی همچون منوچهر هادی، فریدون نجفی، رهبر قنبری، سیدجواد هاشمی، علی قائم‌مقامی، الناز شاکردوست، علیرضا خمسه و داریوش فرضیایی به رقابت برای پروانه زرین می‌پردازند. در ادامه، مروری کوتاه بر داستان و ویژگی‌های این آثار خواهیم داشت:

۱- «یکی میاد دنبالم»؛ کودکان بی‌سرپناه در محاصره بمباران

این اثر به نویسندگی و کارگردانی سیدجواد هاشمی و تهیه‌کنندگی محمدرضا منصوری در بخش کودک حضور دارد. ماجرا در روزهای بمباران هوایی می‌گذرد؛ جایی که کارکنان یک پرورشگاه می‌کوشند سرپرستی کودکان را به خانواده‌ها واگذار کنند، اما در این بین هشت کودک به دلیل نیامدن خانواده‌ها در مرکز جا می‌مانند. هومن حاجی عبداللهی و سیدجواد هاشمی از بازیگران اصلی این فیلم هستند که تازه‌ترین تجربه سینمایی هاشمی پس از «شهر گربه‌ها ۲» محسوب می‌شود.

۲- «پلک پریشان پروانه»؛ دختر خردسال در موج انفجار

رهبر قنبری این بار با فیلمی به نویسندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی خودش راهی بخش نوجوان شده است. قصه درباره پروانه، دختری هفت‌ساله در مرکز نگهداری کودکان است که در پی حمله موشکی دچار موج گرفتگی می‌شود. پس از یاری اهالی، یک زوج فرهنگی که سال‌ها در آرزوی فرزند بوده‌اند سرپرستی او را عهده‌دار می‌شوند. مهدی رحیمی، مهری خوبان و ماهنی فردی انور از بازیگران این درام هستند.

۳- «بادبادک‌ها»؛ نوجوانان فناور در مصاف با ربات‌ها

این پویانمایی سینمایی به کارگردانی و تهیه‌کنندگی الهام ابراهیمی و نویسندگی امیررضا مافی، داستانی علمی‌تخیلی در آینده‌ای نزدیک است. با تسخیر ذهن ساکنان جزیره‌ای در خلیج فارس توسط نیرویی بیگانه، چهار نوجوان و مربی‌شان که از این کنترل مصون مانده‌اند، به کمک دانش، ابتکار عمل و پهپادهای دست‌ساز در برابر ارتشی از ربات‌ها مقاومت می‌کنند تا سرزمین و منابع باارزش خود را نجات دهند.

۴- «دو تفنگدار»؛ دو رفیق در تعقیب دزد موتورسوار

مهدی شفیعی نویسندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی این فیلم را با حضور امیرحسین صدیق، مهدی باقربیگی و حدیث نیکرو بر عهده داشته است. داستان حول محور علیرضا، شاگرد یک کارگاه تراشکاری می‌گردد که هنگام انتقال امانت به بانک، توسط سارقی موتورسوار هدف سرقت قرار می‌گیرد. او همراه با ناصر، نوجوان جنگ‌زده آبادانی و همسایه‌شان، با سرنخ‌های موجود راهی تعقیب سارق در شهر می‌شود.

۵- «شوتینگا»؛ مسافران جسور در تله جزیره وحشت

فیلم فانتزی آرش معیریان به نویسندگی محمد مسلمی و تهیه‌کنندگی امیر رحیم‌زاده قطب‌دینی، گروه فیتیله‌ای‌ها (علی فروتن، محمد مسلمی و حمید گلی) را در کنار چهره‌هایی چون میرطاهر مظلومی، شهره سلطانی و سروش جمشیدی گرد هم آورده است. داستان روایتی ماجراجویانه از سفر گروهی به جزیره‌ای مرموز است؛ جایی که برای یافتن گیاهی نجات بخش، میان خطرات تالاب و تمساح‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

۶- «عروس چشمه»؛ اهالی روستا در کشاکش طمع و بی‌آبی

فریدون نجفی که سال گذشته با فیلم «خاتی» در جشنواره فجر حضور داشت، این اثر را به نویسندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی خود آماده رقابت کرده است. با بازی الناز شاکردوست، محمد بحرانی و دانیال جعفری، قصه در روستایی جریان دارد که چشمه حیات‌بخش آن می‌خشکد. مردم زنی سالخورده مشهور به «عروس چشمه» را مقصر می‌دانند، اما کشف حقیقت پرده از منافع پنهان یک معدن برمی‌دارد.

۷- «عموی بچه‌ها»؛ مجری محبوب در تب‌وتاب آشتی خانوادگی

این فیلم به کارگردانی احمد درویشعلی‌پور و تهیه‌کنندگی علی قائم‌مقامی، نخستین نقش‌آفرینی داریوش فرضیایی (عمو پورنگ) در قامت بازیگر سینماست. فرضیایی در این فیلم بنا به خواسته دختری نوجوان به نام جانا، وارد ماجرای زندگی او می‌شود تا مانع جدایی والدینش شود؛ تلاشی که او را با چالش‌ها و موقعیت‌های غیرمنتظره‌ای روبه‌رو می‌کند.

۸- «کاکالوتی»؛ خواهر فداکار در قلمرو ناشناخته‌ها

اثری در ژانر فانتزی به نویسندگی و کارگردانی امیراطهر سهیلی و تهیه‌کنندگی حمیدرضا سهیلی که چهره‌هایی مانند امیرحسین رستمی و سهراب سهیلی در آن ایفای نقش می‌کنند. داستان پیرامون دختری به نام ستاره است که برای رهایی برادرش پا به جهانی ناشناخته با نمادهای خیالی می‌گذارد؛ سرزمینی که در آن سنگ‌ها قدرت تعقل دارند و انسان‌ها باید هویت دیرین خود را در آن بازشناسند.

۹- «من جاسوزنی نیستم»؛ وارثان خیاطی در چالش توسعه تجاری

منوچهر هادی با متنی از حمزه صالحی و تهیه‌کنندگی علی خواجه‌جوزم وارد بخش مسابقه شده است. یکتا ناصر، علیرضا خمسه، یوسف تیموری و یوسف صیادی از بازیگران فیلم هستند. قصه به تعطیلی یک خیاطی قدیمی پس از فوت مالک آن می‌پردازد؛ جایی که یک سرمایه‌گذار در پی تخریب ملک برای احداث هایپرمارکت است و فرزندان و همسر متوفی بر سر واگذاری یا احیای کارگاه دچار اختلاف می‌شوند.

۱۰- «کوچ»؛ پسر نوجوان در کوران آزمون مسئولیت

نخستین فیلم بلند داستانی محمد اسفندیاری به تهیه‌کنندگی مهدی مطهر با بازی نادر فلاح، یدالله شادمانی و جمعی از نوجوانان ساخته شده است. داستان درباره پسری به نام مرادعلی است که برای تسویه بدهی‌های پدرش عازم سفری دشوار به شهر می‌شود. این سفر زمینه‌ساز تحول درونی و گذار او از خامی دنیای نوجوانی به جهان مسئولیت‌پذیری است.

۱۱- «گرگی خان»؛ حیوان زخم‌خورده در کمینگاه انتقام

این فیلم به نویسندگی و کارگردانی ساسان قجر و تهیه‌کنندگی مقصود جباری، اثری با فضای تمثیلی است که با بازی بازیگرانی چون ابراهیم حبیبی و علی الوانی به نمایش درمی‌آید. قصه درباره گرگی است که پس از داغدار شدن خانواده‌اش، در پی کینه‌توزی برآمده و در تدارک انتقام از جامعه خرگوش‌های ساکن بیشه برمی‌آید.

۱۲- «نابغه و دیو سنگی»؛ کودکان بازیگوش در مصاف با دیوها

پویانمایی بلند رسول آذرگون به تهیه‌کنندگی سلمان امیری و نگارش مشترک با اسدالله دیانتی، بر رقابت‌های جشنواره کودک متمرکز است. ماجرا درباره پنج همبازی بازیگوش است که با وجود تعهد برای پرهیز از شیطنت، در برابر تهاجم دیوهای سنگی ناچار به ایستادگی می‌شوند و در نهایت با تکیه بر راهنمایی‌های پیری خردمند بر دیوها چیره می‌گردند.

۱۳- «نگهبانان خورشید»؛ بیداران اسطوره در برابر غارتگران عتیقه

پویانمایی مهرداد محرابی و عماد رحمانی به تهیه‌کنندگی مهدی جعفری جوزانی، پس از رونمایی در فجر اهی اصفهان شده است. فیلم با کشف کتیبه‌ای باستانی و احضار قهرمان اساطیری زابل کلید می‌خورد. با مداخله قاچاقچیان آثار باستانی، تقابلی نفسگیر در دل کویر شکل می‌گیرد تا از میراث فرهنگی کهن در برابر تاراج گران صیانت شود.

۱۴- «نور»؛ آوارگان بی‌صدا در محاصره تاریکی

این ساخته علی سراهنگ به تهیه‌کنندگی کامران مجیدی و نویسندگی نسیم محمدی فارسانی و نسیم سیف‌پور، با بازی وسام عدنان، شهد فاروق و میثم البطران به روی پرده آمده است. فیلم با شعار «در سکوت سخن گفت و قتی همه جا تاریک بود...» به بررسی موقعیت‌های انسانی در بستری معماگونه و تلخ می‌پردازد.

۱۵- «ورکانا»؛ قهرمان باستان در جغرافیای بحران معاصر

پویانمایی مبتنی بر هوش مصنوعی به نویسندگی و کارگردانی سیدمیثم سجادی و تهیه‌کنندگی سیدمحمدعلی داودی مازندرانی که روایتی نمادین دارد. در این قصه، «گیو» به ندای فردوسی وارد دنیای امروز می‌شود. از سوی دیگر سقوط جنگنده‌ای در جنگل‌های شمال و اختفای خلبانی ناشناس در قالب هویتی تازه، سرنوشت او را با یک جوان سازنواز و پهلوان شاهنامه در ایستگاه قطار بمباران‌شده پیوند می‌زند.



اکبر عبداللهی‌اصل، مدیرکل دارو و مواد تحت کنترل:

بیش از ۶۰ درصد بازار دارویی کشور توسط تولیدکنندگان داخلی تامین می‌شود

یکشنبه/ ۱۲ مهر ۱۴۰۵/ شماره ۶۵۴



افتتاح پایگاه آموزش جان‌فدا در میدان هفتم تیر تهران

جان‌فدایان در میدان آموزش ارتش

۱۰۰۰ گردان مقاومت ملی در کمتر از ۱۰۰ دقیقه تکمیل ظرفیت شد

مسئولان پویش جان‌فدا از تکمیل ظرفیت ۱۰۰۰ گردان مقاومت ملی در کمتر از ۱۰۰ دقیقه، برنامه‌ریزی برای تشکیل ۱۰ هزار یگان مردمی امداد و نجات در محلات کشور و طراحی سامانه سازماندهی محله‌محور خبر دادند. همچنین معاون تربیت و آموزش ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز از آغاز رسمی ماموریت ارتش برای آموزش داوطلبان این پویش و اختصاص سه مرکز آموزشی در تهران به این منظور خبر داد.

به گزارش «آگاه» دومین مرکز آموزشی پویش ملی جان‌فدا عصر روز شنبه در میدان هفت تیر تهران افتتاح شد.

در این مراسم، ساسان زارع، سخنگوی پویش ملی جان‌فدا، با تشریح روند ثبت‌نام و برنامه‌های پیش‌رو، از آغاز آموزش‌های نظامی با محوریت سازمان بسیج و مشارکت نیروهای مسلح خبر داد و گفت که قرار است در کنار آموزش‌های نظامی، ظرفیت داوطلبان در حوزه‌های امداد و نجات، خدمت‌رسانی اجتماعی و حل مسائل کشور نیز سازماندهی شود. زارع با بیان اینکه جان‌فدا را نمی‌توان در یک ساختار یا سازمان محدود کرد، این پویش را مرتبط با هویت ملی ایرانیان دانست و اظهار کرد: هر ایرانی یک جان‌فدا برای این مرز و بوم است.

به گفته وی، در روزهای اخیر پیام‌ها و تماس‌هایی از خارج از کشور دریافت شده که در آنها افرادی با وجود ایرانی نبودن، برای همراهی با مردم ایران در مقابله با آمریکا و رژیم صهیونیستی اعلام آمادگی کرده‌اند. سخنگوی پویش جان‌فدا با اشاره به اینکه هدف اولیه این پویش، تعریف عملیات‌های ملی برای حل مسائل کشور به دست مردم بوده است، گفت: با توجه به شرایط موجود و رجزخوانی‌های دشمن بار دیگر عرصه نظامی در اولویت قرار گرفته و به همین دلیل گردان‌های جدیدی سازماندهی شده و آموزش‌های نظامی آغاز شده است.

وی افزود: در سازماندهی و آموزش گردان‌های مقاومت ملی، نیروهای مسلح و سازمان بسیج مستضعفین محوریت دارند و این ظرفیت‌ها پس از آموزش به مجموعه نیروهای مسلح ملحق خواهند شد.

زارع همچنین از دریافت مجوز برای تشکیل هزار گردان دوم خبر داد و گفت: پس از تکمیل ظرفیت اولیه، ثبت‌نام‌های جدید در فهرست انتظار قرار گرفته و اولویت سازماندهی با افرادی است که زودتر ثبت نام کرده‌اند. زارع گفت: بررسی‌های انجام‌شده و نظرسنجی از ثبت‌نام‌کنندگان نشان می‌دهد که در کنار آموزش‌های نظامی، فعالیت در حوزه امداد و نجات و خدمت‌رسانی از بیشترین زمینه‌های مورد علاقه داوطلبان، به‌خصوص بانوان، است. وی با اشاره به آغاز رایزنی‌های اولیه با دستگاه‌های مرتبط، به‌ویژه سازمان هلال احمر، افزود: قرار است آموزش و سازماندهی داوطلبان در قالب یگان‌های مردمی امداد و نجات با محوریت این سازمان دنبال شود. وی با اشاره به اینکه سازماندهی محله‌محور می‌تواند ظرفیت‌های مردمی را در حوزه‌های مختلف به کار گیرد، گفت: با توجه به موضوع هر عملیات ملی، سازمان متولی نیز تغییر خواهد کرد به‌عنوان نمونه، در حوزه امداد و نجات، هلال احمر محور آموزش و سازماندهی خواهد بود.



به گفته زارع، طبق محاسبات اولیه، تشکیل ۱۰ هزار یگان مردمی امداد و نجات در محلات کشور در دستور کار قرار گرفته و جزئیات ثبت‌نام، آموزش و سازماندهی آنها در هفته‌های آینده اعلام خواهد شد. وی همچنین از طراحی سامانه سازماندهی محله محور جان فدایان خبر داد و گفت: موثرترین سازوکار برای استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی، سازماندهی در محله‌ها است. این سامانه با تلاش نیروهای فنی طراحی شده تا امکان سازماندهی گسترده متقاضیان خدمت به ایران در محلات کشور فراهم شود و در عملیات‌های ملی مورد استفاده قرار گیرد.

جان‌فدا محدود به دوران جنگ نیست

سخنگوی پویش جان‌فدا در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به ابعاد مختلف جنگ، از جمله نظامی، اقتصادی، شناختی، فرهنگی و علمی، تاکید کرد که ظرفیت این پویش تنها به شرایط جنگی محدود نخواهد بود. زارع گفت: به ازای هریک از این عرصه‌ها، ظرفیت جان‌فدا می‌تواند به کار گرفته شود و این پویش پس از جنگ نیز در حوزه‌های مرتبط با پیشرفت کشور فعالیت خواهد کرد. وی با اشاره به تجربه‌هایی مانند جهاد سازندگی و نهضت سوادآموزی در سال‌های نخست انقلاب، شعار جان‌فدا را «همه با هم برای ایران، برای آینده» عنوان کرد.

زارع همچنین از بررسی طرح‌هایی برای استفاده از ظرفیت داوطلبان در حوزه اقتصادی و معیشتی خبر داد و در پاسخ به پرسشی درباره امکان به کارگیری این ظرفیت برای کمک به مناطق محروم، روستاهای دورافتاده و اجرای عدالت اجتماعی گفت: فراخوان ایده به صاحب‌نظران داده شده و طرح‌هایی در این زمینه روی میز قرار دارد و در حال بررسی است.

جان‌فدایان در میدان آموزش ارتش



در ادامه مراسم، امیر سرتیپ دوم محمدرضا علیان‌نژادی، معاون تربیت و آموزش ارتش جمهوری اسلامی ایران، از آغاز رسمی ماموریت ارتش برای آموزش داوطلبان پویش جان فدا خبر داد و با اشاره به اصل ۱۴۳ قانون اساسی گفت: پاسداری از استقلال، تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی ایران بر عهده ارتش است و این ماموریت باید با جدیت و استفاده از تمام ابزارها انجام شود. وی با اشاره به ظرفیت آموزشی ارتش اظهار کرد: ارتش جمهوری اسلامی ایران حدود ۴۰ پادگان آموزشی در کشور دارد و مسئولیت آموزش در سطوح مختلف، از آموزش سربازان تا آموزش تخصصی کارکنان و نیروهای خود، بر عهده این مجموعه است.

معاون تربیت و آموزش ارتش با بیان اینکه آموزش در تخصص‌های پیچیده نظامی گاهی تا ۱۰ سال به طول می‌انجامد، گفت: یک نیروی نظامی گاهی یک‌سوم دوران خدمت خود را صرف آموزش می‌کند تا برای انجام ماموریت‌های تخصصی و دفاع از کشور آمادگی لازم را به دست آورد. وی با اشاره به دستور فرمانده کل ارتش برای واگذاری ماموریت آموزش جان‌فدایان به ارتش گفت: از این لحظه به‌طور رسمی مسئولیت آموزش این داوطلبان را بر عهده می‌گیریم.

علیان‌نژادی با اعلام اختصاص سه مرکز آموزشی ارتش در تهران به این ماموریت گفت: دانشگاه افسری امام علی (ع)، مرکز آموزش درجه‌داری حضرت جوادالائمه (ع) و مرکز آموزش تکاوری شهید شعبان برای آموزش جان‌فدایان در نظر گرفته شده‌اند. این مراکز بر اساس جدول زمان‌بندی اعلام شده از سوی مبادی ذی‌ربط، آماده پذیرش داوطلبان خواهند بود.

معاون تربیت و آموزش ارتش همچنین از سازماندهی تعدادی از میادین شهری به‌عنوان «میدان-پادگان» خبر داد و گفت: نیروهای چهارگانه ارتش در این میادین حضور پیدا می‌کنند تا آموزش‌های مقدماتی را ارائه دهند و داوطلبان در ادامه بتوانند آموزش‌های تکمیلی را طی کنند. به گفته وی، مسئولیت آموزش در میدان هفت‌تیر به نیروی پدافند هوایی ارتش واگذار شده و سایر میادین نیز بر اساس تدابیر اتخاذشده در اختیار دیگر نیروهای چهارگانه قرار خواهند گرفت.

امیر علیان‌نژادی همچنین از آمادگی ارتش برای اعزام استادان و مربیان آموزش نظامی به مناطق مختلف کشور در صورت نیاز خبر داد و با اشاره به هماهنگی خود با امیر سرلشکر امیر حاتمی، فرمانده کل ارتش، گفت: فرمانده کل ارتش بر حضور پرقدرت و انجام کامل ماموریت تاکید کرده است.

۶ محور آموزشی جان‌فدایان اعلام شد

علی کوثری، معاون آموزش و تربیت سازمان بسیج مستضعفین، نیز جزئیات برنامه آموزشی جان‌فدایان را در ۶ محور تشریح کرد و از پیش‌بینی حداقل ۱۴ میدان در تهران برای توسعه پایگاه‌های آموزشی خبر داد.

کوثری با اشاره به ضرورت سازماندهی نیروها برای فعالیت منسجم در مجموعه‌های نظامی اظهار کرد: در گذشته بخشی از آموزش‌ها در قالب تجمع‌های مردمی و بدون سازماندهی مشخص برگزار می‌شد، اما اکنون موضوع سازماندهی و ایجاد ساختار منسجم در دستور کار قرار گرفته است. به گفته وی، رده‌های سپاه، نیروهای مسلح و بسیج در آموزش و سازماندهی نیروها مشارکت خواهند داشت و ظرفیت ارتش و فراجا نیز در ادامه این برنامه مورد استفاده قرار می‌گیرد. برنامه آموزشی جان‌فدا در گام نخست در ۶ عنوان اجرا می‌شود و پس از آن، داوطلبان می‌توانند وارد مراحل آموزش مقدماتی، تکمیلی و تخصصی شوند. نخستین محور، دفاع شهری برای بانوان و آقایان است. وی آشنایی با سلاح‌های عمومی از جمله کلاشینکف و سلاح کمری برونینگ را محور دوم و آشنایی با سلاح‌های تخصصی‌تر از جمله تک‌تیرانداز دراگانوف، آرپی‌جی و تیربار پیکا را محور سوم معرفی کرد و گفت: محور چهارم به آموزش‌های پدافندی در سطح آشنایی با ریزپرنده‌ها و دوش‌پرتاب‌ها اختصاص دارد. محور پنجم، امداد و نجات و آموزش خودامدادی و دگرامدادی است که با استفاده از ظرفیت هلال احمر دنبال خواهد شد. محور ششم ویژه آقایان و شامل آشنایی با راپل و مهارت‌های اعتماد به نفس است.

کوثری همچنین از پیش‌بینی دو عنوان آموزشی ویژه بانوان خبر داد و گفت: آموزش اطفای حریق و آتش‌نشانی با استفاده از ظرفیت سازمان آتش‌نشانی و همچنین جهت‌یابی و موقعیت‌شناسی برای بانوان در نظر گرفته شده است. به گفته وی، بخشی از این افراد نیز در حوزه پشتیبانی رزم و خدمات پشتیبانی فعالیت خواهند کرد و بانوان می‌توانند در زمینه‌هایی مانند امدادرسانی، انتقال و خدمات‌رسانی به مجروحان و پشتیبانی رزم نقش‌آفرینی کنند.

۱۴ میدان آموزشی در تهران پیش‌بینی شد

معاون آموزش سازمان بسیج با اشاره به توسعه پایگاه‌های آموزشی جان‌فدا گفت: آموزش هزارگردان در برنامه قرار گرفته و از هفته آینده در استان‌های دیگر نیز آغاز خواهد شد. نخستین پایگاه آموزشی در میدان آیینی امام حسین (ع) و دومین پایگاه در میدان هفت‌تیر راه‌اندازی شده است.

کوثری با بیان اینکه حداقل ۱۴ میدان در تهران برای تجهیز و توسعه پایگاه‌های آموزشی پیش‌بینی شده است، گفت: در مراکز استان‌ها نیز متناسب با ظرفیت، یک تا سه میدان به پایگاه‌های آموزشی اختصاص خواهد یافت. در شهرستان‌ها نیز آموزش و سازماندهی در قالب گردان‌های جان‌فدا و با محوریت نواحی مقاومت بسیج انجام می‌شود. وی همچنین اعلام کرد که پس از تکمیل ظرفیت هزارگردان، مجوز افزایش ظرفیت تا دو هزارگردان دیگر دریافت شده است و میزان افزایش بر اساس استقبال مردم و داوطلبان تعیین خواهد شد.

نفوذ در میان یگان‌های مردمی



کوثری همچنین در پاسخ به پرسشی درباره چگونگی احراز صلاحیت داوطلبان در شرایطی که شمار ثبت‌نام‌کنندگان افزایش یافته است، تاکید کرد که معیار اولیه در پویش جان‌فدا، ایران‌دوستی است و افرادی که خواهان ادامه آموزش و ورود به ساختارهای نظامی هستند، باید ضوابط و فرآیندهای مربوط به سازماندهی در بسیج را طی کنند.

کوثری در پاسخ به پرسشی درباره احتمال حضور افراد نفوذی در یگان‌های مردمی امداد و نجات و همچنین تعداد اتباع خارجی متقاضی آموزش نظامی، توضیح داد که موضوع نفوذ در قالب یگان‌های امداد و نجات مطرح نیست و این یگان‌ها با هدف کمک‌رسانی و خدمت‌رسانی شکل می‌گیرند. وی درباره تعداد متقاضیان خارج از کشور گفت: اطلاعات دقیق در اختیار ندارم ولی شمار پیام‌ها و درخواست‌های ارسالی از خارج از کشور به چند میلیون نفر می‌رسد. بیش از چند هزار نفر از شهروندان خارجی حاضر در ایران برای حضور در این برنامه‌ها درخواست داده‌اند و موضوع بررسی و دریافت مجوزهای لازم برای آنها در دست پیگیری است.

در مراسم افتتاح دومین مرکز آموزشی پویش جان‌فدا در میدان هفت‌تیر تهران، گروه رزم‌نوازان ارتش جمهوری اسلامی ایران به اجرای سرود ملی و نواهای رزمی پرداختند. پیش از این، نخستین مرکز آموزشی این پویش در میدان آیینی امام حسین (ع) راه‌اندازی شده بود.



صف‌نشینی غول‌های ریالی برای بسته دو میلیارد دلاری

رسمیت‌بخشی به کف جدید قیمتی



ورود غول‌های ریالی به صف دلار برای برطرف کردن نیازهای خود، احتمال رسمیت بخشی به کف جدید قیمتی و جهش دوباره نرخ ارز را تقویت کرده است.

همزمان با آغاز رسمی طرح جدید بانک مرکزی برای تزریق دو میلیارد دلار به بازار با سقف ۱۰ هزار دلار، مختصات میدانی این مداخله نگرانی‌های تازه‌ای در میان تحلیلگران پدید آورده است. در حالی که تصور می‌شد افزایش ۱۰ برابری سقف مصارف خرد و خدماتی بتواند فشار تقاضای واقعی را از بازار آزاد بردارد، گزارش‌ها از صف‌نشینی شرکت‌های بزرگ و صنایع خودروسازی برای بلعیدن این منابع ارزی حکایت دارد. همزمانی این رخداد با تثبیت معاملاتی در کانال ۲۶۰ هزار تومان، هشدارهایی جدی درباره رسمیت یافتن این قیمت و خیز برداشتن نرخ برای سقف‌های بالاتر در غیاب کنترل هوشمند به همراه داشته است.

مهم‌ترین هدف اعلامی بانک مرکزی از ارتقای سقف خرید به ۱۰ هزار دلار، خارج کردن تقاضای اصیل نظیر هزینه‌های دانشجویی، درمانی و مسافرتی از دایره نفوذ دلالان بازار آزاد بود. با این حال، در نخستین ساعات اجرای طرح، واقعیت بازار به شکلی دیگر رقم خورد؛ صنایعی که به خطوط اعتباری و تسهیلات بانکی دسترسی نامحدود دارند، در صدر صف‌های تخصیص قرار گرفتند.

این پدیده سبب شد تا منابع نقدی که باید برای آرام‌سازی کف بازار و پاسخ به شهروندان تزریق می‌شد، درون ساختار مالی بنگاه‌های شبه‌دولتی و مونتاژکاران قفل شود و نیازهای خرد جامعه کماکان چشم‌انتظار بماند.

فرشید سمیعی‌فر، کارشناس بازار سرمایه در این باره معتقد است که ادغام تقاضای کلان صنعتی با ارز خدماتی، خطای بنیادین بازارساز به شمار می‌رود. به گفته وی، خودروسازان و شرکت‌های بزرگ به دلیل حجم بالای نقدینگی و اتکا به وام‌های کلان، همیشه برنده صف‌های ارزی هستند. وقتی یک متقاضی خرد در راهروهای اداری برای اثبات اصالت مدارک خود سرگردان است، صدها میلیون دلار از این بسته در قالب حواله‌های تجاری از دست می‌رود. در چنین شرایطی، تقاضای کف جامعه همچنان جذب بازار غیررسمی می‌شود و اسکناس آزاد بدون هیچ مانعی به روند صعودی خود ادامه می‌دهد، چرا که هیچ سیگنال عملی مبنی بر فراوانی ارز در دسترس عموم مخابره نشده است.

«مهر» در گزارشی نوشت: این تمرکز سنگین شرکتی نه تنها تقاضای غیررسمی را مهار نمی‌کند، بلکه موجب تخلیه سریع ذخایر ارزی کشور بدون دستیابی به نتایج ملموس قیمتی می‌شود.

صنایع انحصاری ارز دریافتی را در چرخه قیمت‌گذاری محصولات خود بر مبنای نرخ‌های آزاد محاسبه می‌کنند و بدین ترتیب، این منابع کلان نه به کاهش تورم عمومی یاری می‌رساند و نه از بار التهاب بازار آزاد می‌کاهد، بلکه صرفا به سوختی برای تقویت ترازنامه‌های مالی چند بنگاه خاص بدل می‌شود.

شبهه رسمیت‌بخشی به کف قیمتی و هشدار درباره کانال‌های بالاتر

ضلع دوم چالش، بازتاب روانی قیمت‌گذاری این مداخله است. منتقدان و فعالان بخش خصوصی بر این باورند که نحوه عرضه منابع در سطوح فعلی، عملا نوعی صحه‌گذاری بانک مرکزی بر این ارقام تلقی می‌شود. تثبیت نرخ رسمی در این تراز، برای دلالان بازار آزاد به منزله یک تضمین حاکمیتی است؛ بدین معنا که بازارساز نرخ‌های پایین‌تر را از محاسبات خود کنار گذاشته و حاضر است در همین مرز به معامله بپردازد.

همین موضوع واکنش‌های تندی را در محافل تجاری برانگیخته است. کارشناسان نسبت به این شیوه مداخله هشدار می‌دهند و معتقدند زمانی که نهاد ناظر پولی با قیمت‌های بالا وارد میدان حراج می‌شود، انتظارات تورمی را به جای مهار، تثبیت می‌کند. با پذیرش این سطح از سوی نهاد سیاست‌گذار، فعالان غیررسمی فورا حاشیه سود خود را بالاتر می‌برند و زمینه‌سازی برای جهش نرخ به کانال ۳۰۰ هزار تومان آغاز می‌شود. در روانشناسی معاملات ارزی، تثبیت کف در محدوده ۲۵۰ هزار تومانی، سقف‌های قبلی را به حامیان روانی جدید بدل می‌سازد و ریسک پرش قیمت را دوچندان می‌کند.

رحمان باقری‌نیا، پژوهشگر اقتصادی تاکید می‌کند که سیاست‌گذار نباید پیام تسلیم در برابر قیمت‌های سفته‌بازانه صادر کند. به باور وی، بازار آزاد همواره یک فاصله درصدی مشخص میان نرخ رسمی و غیررسمی تعریف می‌کند. اگر سیاست‌گذار با عرضه در نرخ جدید کف جدید بسازد، دلالان با لحاظ ریسک‌های معاملاتی، نرخ بازار آزاد را بلافاصله یک پله بالاتر می‌برند. در نتیجه، این تزریق دو میلیارد دلاری به جای ایفای نقش ترمز، به سکوی پرتاب نرخ‌های جدید بدل می‌شود و خریداران خرد را با وحشت بیشتری به سمت خرید ریالی ارز سوق می‌دهد.

پنج پیشنهاد فوری برای عبور از بن‌بست کنونی

برای جلوگیری از هدررفت این دو میلیارد دلار و مهار تب تورمی، کارشناسان اصلاحات فوری را به بانک مرکزی توصیه می‌کنند: نخست، تفکیک کامل سهمیه‌های خدماتی از مصارف شرکتی و مسدود کردن دسترسی خودروسازان به این سبد الزامی است؛ ارز مورد نیاز صنایع باید منحصرا از مجاری بازرگانی جداگانه تامین شود. دوم، سیاست‌گذار باید از قیمت‌گذاری صلب پرهیز کند و با استفاده از مکانیسم حراج معکوس و پلکانی، نرخ عرضه را روزانه کاهش دهد تا سوداگران ناچار به فروش دارایی‌های خود شوند.

سوم، بانک مرکزی باید خلق ریال از طریق تسهیلات بانکی برای خرید ارز شرکتی را متوقف سازد تا غول‌های مالی نتوانند با اعتبار بانکی به تسخیر بازار بپردازند. چهارم، عرضه اوراق سپرده ارزی با تسویه ریالی می‌تواند تقاضای حفظ ارزش دارایی را بدون خروج فیزیکی اسکناس جذب کند. پنجم، فرآیند دریافت ارز خدماتی ۱۰ هزار دلاری باید از طریق درگاه‌های دیجیتال و شعب منتخب تسهیل شود تا شهروندان واقعی بتوانند در کوتاه‌ترین زمان نیازهای درمانی و دانشجویی خود را پاسخ دهند. اجرای قاطع این اقدامات تنها راه برای بازگرداندن ثبات پایدار به بازار ارز است.



احمد می‌دری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی:

با اجرای طرح کیف پول الکترونیکی، قدرت خرید بازنشستگان پنج درصد افزایش می‌یابد

یکشنبه/ ۱۲ مهر ۱۴۰۵/ شماره ۶۵۴



هزینه خوراکی دانش‌آموزان گران‌تر از همیشه

یک زنگ تفریح نصف مزد یک روز

برای بسیاری از خانواده‌ها، هزینه خوراک مدرسه دیگر همان پول خردی نیست که صبح در جیب دانش‌آموز گذاشته می‌شد. افزایش قیمت مواد غذایی، میان‌وعده روزانه دانش‌آموزان را به هزینه‌ای چندمیلیونی در ماه تبدیل کرده؛ هزینه‌ای که برای خانواده‌های دارای دو یا سه فرزند می‌تواند بخش قابل توجهی از درآمد را ببلعد. درهمین حال، شبکه‌های اجتماعی نیز با نمایش لانچ‌باکس‌های پرزرق‌وبرق و خوراکی‌های خاص، تصویری متفاوت از زنگ تفریح ساخته‌اند؛ تصویری که گاه فاصله زیادی با واقعیت اقتصادی بخش بزرگی از خانواده‌ها دارد.

صبح، قبل از آنکه بچه‌ها راهی مدرسه شوند، یکی از کارهای تکراری در بسیاری از خانه‌ها آماده کردن خوراکی زنگ تفریح است؛ یک لقمه نان و پنیر، تخم‌مرغ، میوه، شیر، کیک، بیسکوییت یا ساندویچ کوچک. خریدهایی که هرکدام به تنهایی شاید رقم بزرگی به نظر نرسند، اما وقتی پنج روز در هفته و حدود ۲۰ روز در ماه تکرار شوند، صورتحساب دیگری می‌سازند. صورتحسابی که این روزها، با جهش قیمت مواد غذایی، سنگین‌تر از گذشته شده است.

طبق گزارش‌های مبتنی بر آمار مرکز آمار ایران، تورم نقطه‌به‌نقطه گروه «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» در شهریور ۱۴۰۵ به حدود ۱۲۱.۸ درصد رسیده است؛ یعنی سطح قیمت این گروه در مقایسه با شهریور سال قبل بیش از دو برابر شده است. این برای هشتمین ماه پیاپی است که تورم غذایی در محدوده سه‌رقمی قرار دارد. همچنین ۳۳ قلم از خوراکی‌های منتخب و پرمصرف در شهریور نسبت به ماه مشابه سال قبل بیش از ۱۰۰ درصد افزایش قیمت داشته‌اند. اما خانواده‌ها تورم را نه در جدول‌های آماری، بلکه هر صبح در کیف مدرسه فرزندشان لمس می‌کنند.

یک زنگ تفریح چقدر آب می‌خورد؟

قرار دادن هزینه خوراک مدرسه کنار عدد دستمزد، ابعاد ماجرا را روشن‌تر می‌کند. بر اساس بخشنامه دستمزد سال ۱۴۰۵، حداقل مزد روزانه کارگران پنج میلیون و ۵۴۱ هزار و ۸۵۰ ریال، معادل حدود ۵۵۴ هزار تومان تعیین شده است. حداقل مزد پایه ماهانه نیز حدود ۱۶.۶ میلیون تومان است؛ البته دریافتی واقعی کارگران با احتساب حق مسکن، بن، سنوات، حق اولاد و سایر مزایا می‌تواند بیشتر باشد.

در حال حاضر قیمت یک کیک کوچک مبلغی در حدود ۴۰ تا ۶۰ هزار تومان است. از این رو برخی برآوردها، بسته به نوع خوراکی و میزان خرید از بوفه یا فروشگاه، هزینه روزانه میان‌وعده یک دانش‌آموز را در سناریوهای مختلف بین ۲۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان در نظر گرفته‌اند. در سناریوی میانی ۳۰۰ هزار تومانی، هزینه ماهانه یک دانش‌آموز به حدود ۶ میلیون تومان می‌رسد. در نظر بگیریم، هزینه خوراک یک روز مدرسه معادل حدود ۵۴ درصد حداقل مزد روزانه یک کارگر می‌شود. در ۲۰ روز مدرسه، این هزینه به ۶ میلیون تومان برای یک دانش‌آموز می‌رسد. برای خانواده‌ای با دو دانش‌آموز، رقم به ۱۲ میلیون و برای سه دانش‌آموز به ۱۸ میلیون تومان می‌رسد.

البته این اعداد را نمی‌توان متوسط قطعی هزینه همه خانواده‌ها دانست. خانواده‌ای که بیشتر از مواد غذایی موجود در خانه استفاده می‌کند یا لقمه‌های ساده آماده می‌کند، ممکن است بسیار کمتر خرج کند؛ در مقابل، خرید روزانه ساندویچ، آبمیوه، تنقلات، میوه و خوراکی از بوفه یا فروشگاه می‌تواند هزینه را بالاتر ببرد. اما حتی اگر این برآورد را نصف کنیم، باز هم به ماهی سه میلیون تومان برای یک دانش‌آموز، ۶ میلیون برای دو و ۹ میلیون تومان برای سه فرزند می‌رسیم. این اعداد در خانواری که همزمان باید اجاره، حمل‌ونقل، درمان، پوشاک، لوازم‌التحریر و دیگر هزینه‌های تحصیل را بپردازد، دیگر خرجی حاشیه‌ای نیست.

خوراکی خانگی، راه‌حلی که خودش گران شده است

یکی از توصیه‌های همیشگی برای کاهش هزینه، تهیه خوراکی در خانه است. «از بوفه نخر، از خانه برایت می‌گذاریم» جمله‌ای آشنا برای بسیاری از دانش‌آموزان است. اما مسئله اینجاست که خانه نیز از تورم مصون نمانده است.

نان، پنیر، تخم‌مرغ، شیر، میوه، مغزها، گوشت، مرغ و مواد اولیه یک ساندویچ ساده همگی در همان گروه خوراکی‌هایی قرار دارند که افزایش شدید قیمت را تجربه کرده‌اند. گزارش‌ها نشان می‌دهد هزینه تهیه یک سبد ۱۱ قلمی کالا برگ برای یک نفر به بیش از ۵.۶ میلیون تومان و برای یک خانواده سه‌نفره به حدود ۱۶.۸ میلیون تومان رسیده است. بنابراین میان‌وعده خانگی همچنان می‌تواند از خرید روزانه بوفه اقتصادی‌تر باشد، اما دیگر الزاما ارزان نیست.

از سوی دیگر، کم کردن هزینه همیشه بدون پیامد نیست. حذف میوه، شیر، تخم‌مرغ یا مواد پروتئینی ممکن است عدد نهایی سبد را پایین بیاورد، اما در مقابل کیفیت تغذیه کودک را کاهش دهد. اینجاست که مسئله گرانی خوراک مدرسه از یک موضوع خانوادگی به مسئله‌ای مرتبط با سلامت و عدالت غذایی کودکان تبدیل می‌شود.

وقتی کیف مدرسه، تفاوت‌ها را نشان می‌دهد

زنگ تفریح فقط زمانی برای خوردن نیست؛ بخشی از زندگی اجتماعی کودکان است. دانش‌آموزان خوراکی یکدیگر را می‌بینند، با هم تعارف می‌کنند و گاهی مقایسه می‌کنند. یک کودک لقمه‌ای ساده از خانه آورده، دیگری پول خرید از بوفه دارد و سومی ظرفی چندبخشی پر از میوه، ساندویچ، شکلات یا دسر همراه آورده است. همین جزئیات کوچک می‌توانند به محلی برای آشکار شدن تفاوت اقتصادی خانواده‌ها تبدیل شوند. فشار اجتماعی نیز به هزینه‌ها اضافه می‌شود. ممکن است والدین بدانند بردن خوراکی از خانه ارزان‌تر است، اما کودک وقتی هر روز خرید دوستانش از بوفه را می‌بیند، همیشه قانع نمی‌شود. در واقع، بخشی از هزینه خوراک مدرسه نه صرفا از نیاز غذایی، بلکه از محیط همسالان و الگوی مصرف شکل می‌گیرد.

لانچ‌باکس‌های اینستاگرامی؛ وقتی میان‌وعده به ویترین تبدیل می‌شود

شبکه‌های اجتماعی نیز در سال‌های اخیر تصویری تازه از تغذیه مدرسه ساخته‌اند. در صفحات مختلف می‌توان ظرف‌های چندقسمتی رنگارنگ، میوه‌های متنوع و گاه گران، ساندویچ‌های قالب‌زده، پنکیک‌های تزئین‌شده، دسرهای کوچک، شکلات، مغزها و خوراکی‌هایی را دید که با دقت کنار یکدیگر چیده شده‌اند.

بخشی از این محتوا بدون تردید با هدف تشویق کودکان به تغذیه سالم، تنوع غذایی یا جذاب کردن خوراک تهیه می‌شود و نمی‌توان همه آن را به نمایش ثروت تقلیل داد. اما در بخشی دیگر، خوراک مدرسه از یک نیاز روزانه فاصله می‌گیرد و به چیزی شبیه ویترین سبک زندگی تبدیل می‌شود. در شرایطی که یک خانواده برای پایین آوردن هزینه میان‌وعده به حذف یک قلم خوراکی فکر می‌کند، خانواده‌ای دیگر تصاویر جعبه‌های غذایی با چند نوع میوه، دسر و خوراکی خاص را منتشر می‌کند. به این ترتیب، در کنار تورم اقتصادی، نوعی تورم انتظارات نیز شکل می‌گیرد؛ استانداردی که می‌گوید میان‌وعده کودک نه‌فقط باید کافی و سالم باشد، بلکه باید متنوع، زیبا و قابل نمایش نیز باشد.

صورتحساب ۲۰ زنگ تفریح

شاید هنوز بسیاری از خانواده‌ها «خوراک مدرسه» را به‌عنوان ردیفی مستقل در بودجه ماهانه خود حساب نکنند. مقداری پنیر زیخچال، دو عدد میوه از خرید خانه، چند بسته کیک و بیسکوییت، پول بوفه و گاهی یک ساندویچ؛ هزینه‌ها پراکنده پرداخت می‌شوند. اما کافی است این مخارج برای یک ماه ثبت و در پایان کنار هم گذاشته شوند. آن وقت مشخص می‌شود که ۲۰ زنگ تفریح برای یک خانواده واقعا چقدر تمام شده است. اهمیت این عدد برای همه یکسان نیست. برای خانواری با درآمد بالا شاید چند میلیون تومان هزینه بیشتر مسئله بزرگی نباشد؛ اما برای خانواری که درآمدش در محدوده حداقل دستمزد است، همین رقم می‌تواند به معنای کوچک‌تر شدن بخش دیگری از سبد خانوار باشد و شاید مهم‌ترین نکته همین باشد: گرانی خوراک مدرسه را نمی‌توان جدا از کوچک شدن سفره خانوار دید. وقتی تورم غذایی بیش از ۱۲۰ درصد است و دستمزد روزانه حداقل بگیر حدود ۵۵۴ هزار تومان، حتی یک لقمه ساده هم دیگر آن‌قدر ساده نیست. زنگ تفریح چند دقیقه بیشتر طول نمی‌کشد؛ اما هزینه‌اش حالا بخشی جدی از حساب‌وکتاب یک ماه خانواده شده است.

سامانه گزارش سقط غیرقانونی جنین راه‌اندازی شد

دادستانی کل کشور سامانه‌ای برای ثبت گزارش‌های مردمی درباره سقط غیرقانونی جنین و تخلفات مرتبط راه‌اندازی کرد.

به گزارش «مهر» در راستای اجرای سند تحول و تعالی قوه قضاییه و با هدف پیشگیری از وقوع جرم، دادستانی کل کشور صفحه‌ای ویژه را در بخش گزارش‌های مردمی پایگاه اطلاع‌رسانی خود ایجاد کرده است.

این سامانه با هدف دریافت گزارش‌های مردمی درباره سقط غیرقانونی جنین، توزیع غیرمجاز داروهای مرتبط و سایر تخلفات مرتبط با حقوق عامه راه‌اندازی شده است. شهروندان می‌توانند با مراجعه به این سامانه، گزارش‌های خود را به صورت غیرحضوری ثبت و برای بررسی و پیگیری قانونی ارسال کنند. همچنین نحوه ورود و ثبت گزارش مربوط به سقط غیرقانونی جنین نیز به صورت تصویری در این سامانه ارائه شده است. بر اساس اعلام دادستانی کل کشور، راه‌اندازی این سامانه در راستای تقویت نظارت مردمی و تسهیل دریافت گزارش‌های عمومی انجام شده است.

واریز سود سهام عدالت حدود ۲/۵ میلیون تومان



مدیر نظارت بر ناشران سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام کرد: میزان سود سهام عدالت حدود دو تا ۲/۵ میلیون تومان است که پس از دریافت از شرکت‌های سرمایه‌پذیر، به حساب مشمولان واریز می‌شود.

به گزارش «آگاه» ولی‌الله جعفری با اشاره به برگزاری مجامع شرکت‌های سرمایه‌پذیر سهام عدالت در سال ۱۴۰۴ گفت: به محض دریافت سود از این شرکت‌ها و فراهم شدن امکان واریز، سود به حساب مشمولان پرداخت می‌شود، اما زمان دقیق واریز مشخص نیست. وی درباره زمان پرداخت سود سهام عدالت، آخرین وضعیت مجامع شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی و موضوعات مطرح‌شده درباره سهام عدالت در مجلس توضیحاتی ارائه داد. جعفری در پاسخ به پرسشی درباره زمان پرداخت سود سال ۱۴۰۴ شرکت‌های سرمایه‌پذیر سهام عدالت به سهام‌داران اعلام کرد: مجامع مربوط به عملکرد سال ۱۴۰۴ شرکت‌های سرمایه‌پذیر، در سال ۱۴۰۵ برگزار شده است، بنابراین شرکت‌ها موظف هستند طبق برنامه زمان‌بندی سود سهام، سود متعلق به سهام‌داران عدالت را پرداخت کنند.

میزان سود دو تا ۲/۵ میلیون تومان

مدیر نظارت بر ناشران سازمان بورس و اوراق بهادار درباره میزان سود سهام عدالت گفت: میزان سود حدود دو میلیون تومان است، اما عدد پس از برگزاری کامل مجامع از سوی سپرده‌گذاری مرکزی اعلام می‌شود، ولی به نظر می‌رسد مبلغ سود بین دو تا ۲/۵ میلیون تومان باشد. جعفری درباره تعیین تکلیف ورثه سهام عدالت اعلام کرد: وراث سهام‌داران متوفی عدالت می‌توانند به یکی از شعب بانک‌های ملی، ملت، تجارت یا پارسیان یا شرکت‌های کارگزاری که نام آنها در سایت شرکت سپرده‌گذاری مرکزی درج شده است، مراجعه کنند. او افزود: نماینده ورثه باید اطلاعات را به صورت کامل در اختیار شرکت کارگزاری یا شعب بانک‌هایی که به آنها اشاره شد، قرار دهد. مدیر نظارت بر ناشران سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام کرد: این اطلاعات در سامانه «میراث» وارد می‌شود و سپرده‌گذاری مرکزی براساس اطلاعات دریافت شده فرآیند انحصار وراثت را انجام می‌دهد.

آخرین وضعیت مجامع شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی

جعفری درباره موضوعات مطرح شده در مجلس در خصوص سهام عدالت توضیح داد: یکی از موضوعاتی که اخیرا در مجلس مورد بحث قرار گرفته این است که در فرآیند آزادسازی سهام عدالت، نقش تعاونی‌ها افزایش پیدا کند. مدیر نظارت بر ناشران سازمان بورس و اوراق بهادار درباره برگزاری مجامع شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی گفت: برای پایان سال مالی ۱۴۰۲، هفت استان، برای پایان سال مالی ۱۴۰۳ نیز هفت استان مجامع خود را برگزار کرده‌اند و برای پایان سال مالی ۱۴۰۴ هم تا کنون پنج استان مجامع خود را برگزار کرده‌اند.

رژیم‌های غذایی «مد روز» پایه علمی ندارند

مدیرکل دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت با تاکید بر اینکه تغذیه نقش موثری در پیشگیری از بروز سرطان‌ها دارد، نسبت به ترویج رژیم‌های غذایی غیراصولی و خودسرانه هشدار داد.

به گزارش «فارس» احمد اسماعیل‌زاده، مدیرکل دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت با بیان اینکه براساس مطالعات علمی، بخش قابل توجهی از علل بروز سرطان‌ها به الگوهای تغذیه‌ای مرتبط است، اظهار داشت: اگرچه فعالیت بدنی و پرهیز از دخانیات در پیشگیری از این بیماری‌ها نقش کلیدی دارند، اما اصلاح الگوی تغذیه به عنوان یکی از ستون‌های اصلی سلامت، نیازمند توجه ویژه است. وی با اشاره به اصول بنیادین تغذیه سالم تصریح کرد: برخلاف تصورات رایج، هیچ گروه غذایی نباید از برنامه روزانه حذف شود. بدن انسان برای عملکرد مطلوب و حفظ سیستم ایمنی خود، نیازمند دریافت مواد مغذی از تمامی گروه‌های غذایی است. حذف خودسرانه گروه‌ها، سلامت عمومی را به مخاطره می‌اندازد. مدیرکل دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت با تاکید بر اهمیت نظم در وعده‌های غذایی افزود: مصرف سه وعده اصلی غذا و حداقل سه میان‌عده در طول روز، رویکردی علمی برای حفظ تعادل متابولیک بدن است و حذف هر یک از این وعده‌ها نه تنها کمکی به بهبود وضعیت سلامت نمی‌کند، بلکه می‌تواند پیامدهای ناگواری به همراه داشته باشد. اسماعیل‌زاده ضمن انتقاد از رژیم‌های غذایی تجاری و «مد روز» که در فضای مجازی ترویج می‌شوند، گفت: رژیم‌هایی که با عناوین خاص معرفی می‌شوند یا برنامه‌های غذایی سخت‌گیرانه‌ای دارند که فرد را ملزم به مصرف مواد غذایی مشخص در روزهای خاص می‌کند، فاقد وجاهت علمی هستند. به گفته این استاد تغذیه دانشگاه علوم پزشکی تهران بسیاری از این روش‌ها تنها با هدف کاهش سریع آب بدن و توده عضلانی طراحی شده‌اند که عوارض کوتاه‌مدت و بلندمدت متعددی برای فرد به دنبال دارند و وزن از دست رفته نیز به سرعت بازمی‌گردد. وی خاطرنشان کرد: تغذیه صحیح به معنای «درست خوردن» است و نباید با سختی کشیدن‌های بیهوده اشتباه گرفته شود. همچنین، مصرف خودسرانه مکمل‌ها و داروهای تقویتی بدون تشخیص و صلاحدید متخصص، توصیه نمی‌شود و عموم مردم باید برای دریافت برنامه‌های تغذیه‌ای استاندارد، تنها به توصیه‌های کارشناسان و متخصصان تغذیه تکیه کنند.

یک زنگ خطر جدی در موضوع جوانی جمعیت

قوانین فرزندآوری به درستی اجرا نمی‌شود

نایب رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس معتقد است؛ قوانین مرتبط با فرزندآوری و جوانی جمعیت به درستی اجرا نمی‌شود.

به گزارش «آگاه» روح‌الله لک علی‌آبادی، با اشاره به ضرورت توجه جدی به موضوع جوانی جمعیت و فرزندآوری، گفت: درست است که برای فرزندآوری قانون داریم، اما متاسفانه این قوانین به درستی اجرا نمی‌شود؛ به عنوان مثال در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت که در مجلس تصویب شد، برای خانواده‌های دارای سه فرزند و بیشتر، موضوع واگذاری زمین پیش‌بینی شده است، اما این قانون نیز آنطور که باید و شاید اجرا نمی‌شود. وی افزود: معتقدم در موضوع جوانی جمعیت یک زنگ خطر جدی وجود دارد و اگر این تهدید را جدی نگیریم، در آینده با مشکلات جدی برای جامعه و کشور مواجه خواهیم شد. امروز باید آمار جمعیت مجرد کشور را مورد توجه قرار دهیم؛ وضعیت تجرد در میان پسران و دختران ما نگران‌کننده و قابل تامل است.

لک علی‌آبادی ادامه داد: نخستین اقدامی که باید انجام دهیم، فراهم کردن زمینه ازدواج جوانان است. باید برای جوانان شغل و اشتغال ایجاد کنیم تا بتوانند ازدواج کنند و از همان ابتدا بستر مناسب برای ازدواج و تشکیل خانواده را فراهم کنیم. وی با بیان اینکه افزایش حساسیت و وسواس جوانان نسبت به ازدواج یکی از مسائلی است که باید مورد توجه قرار گیرد، تصریح کرد: باید شرایطی ایجاد کنیم که جوانان با اطمینان بیشتری وارد زندگی مشترک شوند و بتوانند پس از ازدواج نیز زندگی خود را به شکل مناسبی اداره کنند.

نایب‌رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس تاکید کرد: موضوع جوانی جمعیت و فرزندآوری نباید تنها به وزارت بهداشت سپرده شود، بلکه همه سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها باید در این زمینه سهم و مسئولیت داشته باشند و باید برای جوانانی که ازدواج می‌کنند و فرزند بیشتری دارند، شرایطی فراهم شود که بتوانند زندگی بهتر و باثبات‌تری داشته باشند. وی با انتقاد از شعارهایی که طی سال‌های گذشته در حوزه خانواده و جمعیت مطرح شده است، گفت: متاسفانه سال‌ها شعارهایی مانند «فرزند کمتر، زندگی بهتر» مطرح شد که تاثیرات خود را بر خانواده‌ها و الگوی جمعیتی کشور گذاشت و امروز باید برای جبران این شرایط، اقدامات عملی و جدی انجام دهیم.

لک علی‌آبادی یادآور شد: شاید در موضوع جوانی جمعیت تا حدودی دیر شده باشد، اما هنوز فرصت برای اصلاح شرایط وجود دارد و باید از همین امروز برای آن فکر و برنامه ریزی کنیم؛ چرا که اگر تصمیم گیری و اقدام را به ۱۰ سال آینده موکول کنیم، ممکن است آن زمان برای جبران بسیاری از مسائل بسیار دیر شده باشد.



اختصاص ردیف اعتباری ویژه به افراد طیف اوتیسم

پرداخت تسهیلات اشتغالزایی تا سقف پنج میلیارد تومان

رئیس مرکز توسعه کارآفرینی، اشتغال و توانمندسازی سازمان بهزیستی کشور جزییات اختصاص ردیف اعتباری ویژه برای اشتغال افراد دارای طیف اوتیسم را تشریح کرد.

آرزو ذکایی فر در گفت‌وگو با «ایسنا» با اشاره به پیش بینی ردیف اعتباری ویژه برای اشتغال افراد دارای اوتیسم، اظهار کرد: به طور کلی میزان تسهیلات اشتغال سال ۱۴۰۵ برای سازمان بهزیستی ۲۲ هزار میلیارد تومان است. این اعتبار از محل جزء ۱ ماده ۹۵ قانون بودجه سال جاری در قالب تسهیلات قرض‌الحسنه اشتغال در دو قالب خوداشتغالی و کارفرمایی که برای طرح‌های خوداشتغالی با سرانه ۲۰۰ میلیون تومان یا در برخی رسته‌های شغلی اولویت‌دار ۳۵۰ میلیون تومان با کارمزد چهار درصد و با مدت بازپرداخت ۶۰ ماهه به افراد تحت پوشش بهزیستی اعم از معلولان، زنان سرپرست خانوار و افراد بهبودیافته از اعتیاد دارای شرایط عمومی و اختصاصی از طریق سامانه تسهیلات اشتغال کشور به شبکه بانکی معرفی و پرداخت می‌شوند.

وی ادامه داد: همچنین برای کارفرمایان متقاضی به‌کارگیری افراد تحت پوشش به ازای ایجاد اشتغال برای هر نفر ۲۰۰ میلیون و تا سقف پنج میلیارد تومان قابل پرداخت است.

رئیس مرکز توسعه کارآفرینی، اشتغال و توانمندسازی سازمان بهزیستی کشور تاکید کرد که برای افراد دارای اختلالات نافذ رشد اوتیسم نیز در صورتی که خود این افراد مهارت لازم و توانایی شغلی داشته باشند به خود فرد تسهیلات اشتغال پرداخت و در صورتی که غیرقابل توان باشند و قادر به کارکردن نباشند به اعضای موثری خانواده تسهیلات اشتغال به منظور توانمندسازی اقتصادی خانواده پرداخت می‌شود. ذکایی‌فر در پاسخ به این سوال که جامعه هدف این طرح چه تعداد از افراد دارای اوتیسم را شامل می‌شود و اولویت‌بندی برای بهره‌مندی از حمایت‌ها بر چه اساسی است، گفت: با توجه به وجود منابع کافی در سال جاری محدودیتی برای پرداخت وجود ندارد و باید افراد دارای مجوز شغلی و طرح کسب و کار باشند و توانایی لازم جهت راه‌اندازی شغل را داشته باشند که البته به این منظور تسهیلگران شغلی کنار جامعه هدف به منظور آماده‌سازی شغلی، اهلیت سنجی، هدایت مسیر شغلی و پشتیبانی شغلی هستند. وی یادآور شد: برای اولین بار سازمان بهزیستی دو ردیف اعتباری «حق بیمه سهم کارفرمایی و خویش‌فرمایی» و «کمک‌هزینه ارتقای کارایی» خاص افراد دارای اختلالات نافذ رشد اوتیسم برای تثبیت و پایداری شغلی این افراد پیش‌بینی و در اعتبارات بودجه‌ای گنجانده تا حمایت از اشتغال این گروه را به‌صورت ویژه دنبال کند.

رئیس مرکز توسعه کارآفرینی، اشتغال و توانمندسازی سازمان بهزیستی کشور تصریح کرد: دستگاه‌های مشارکت‌کننده در پرداخت تسهیلات اشتغال به گروه‌های هدف وزارت امور اقتصادی و دارایی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بانک مرکزی، بانک‌های عامل هستند که سازمان بهزیستی برای هم‌افزایی و استفاده از ظرفیت سایر دستگاه‌ها به منظور ایجاد اشتغال پایدار تفاهم‌نامه‌هایی با معاونت ریاست جمهوری در امور زنان و خانواده، معاونت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، سازمان فنی و حرفه‌ای، معاونت کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی خصوصا در حوزه نظارت آنلاین و بنیاد علوی منعقد یا در مراحل پایانی انعقاد تفاهم‌نامه است.

به گفته ذکایی‌فر، برای جلوگیری از انحراف در کنار فرآیندهای اهلیت سنجی و نظارت‌های قبل از ایجاد اشتغال، نظارت‌های حین راه‌اندازی و پس از اشتغال به صورت مستمر به همراه بسته‌های آموزشی و مهارتی از طریق شبکه تسهیلگران شغلی به جامعه هدف و افراد دارای اوتیسم ارائه می‌شود.

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
آگاه
روزنامه ۶۵۴

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
مدیرمسئول: محمدمهدی رحمتی
سردبیر: امیر اسماعیلی
دبیر تحریریه: رضا ظریفی
مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب
دبیران گروه‌ها: هادی رضایی سیاست | سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه
مجتبی مشهدی محمد فرهنگ

خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان ابن سینا
۰۲۱-۹۲۰۰۴۷۱۶ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳
www.Agaah.ir m@agaah.ir agaah_ir

یکشنبه

۱۲ مهر مـاه ۱۴۰۵

۲۲ ربیع الثانی ۱۴۴۸ | ۴ اکتبر ۲۰۲۶

اذان صبـــح	۰۴:۳۷
اذان ظهـــر	۱۱:۵۳
اذان مغـــرب	۱۸:۰۴
نیمه‌شب‌شرعی	۲۳:۱۱

کاغذک

تولید ۹۰ درصد ارزان‌تر

هزینه تولید کتاب صوتی در پلتفرم عربی «ابجد» به یک دهم رسیده است. ابجد یک خط تولید مخصوص زبان عربی ساخته که بخشی از فرآیند را با هوش مصنوعی و تبدیل متن به گفتار پیش می‌برد و فایل نهایی با کنترل انسانی آماده انتشار می‌شود.

وقتی هزینه تولید تا این اندازه پایین می‌آید، دایره کتاب‌های قابل تبدیل به صوت بسیار بزرگ‌تر می‌شود؛ از عنوان‌های تازه تا کتاب‌های قدیمی‌ای که حالا صوتی کردن‌شان صرفه پیدا می‌کند. این مسیر می‌تواند خیلی زود به بازار فارسی هم برسد؛ کتاب صوتی ارزان‌تر، سریع‌تر و در مقیاسی بسیار بزرگ‌تر.

صبحانه خوری دانش‌آموزان را جدی بگیرید

صبحانه به عنوان مهم ترین وعده غذایی به شمار می رود که حذف آن می تواند سلامت افراد به ویژه دانش‌آموزان را تهدید کند که در سن رشد قرار دارند.

فرشته فزونی، رئیس گروه تغذیه معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، توجه به تغذیه سالم روزانه در دانش‌آموزان را برای رشد جسمی و ذهنی، استحکام استخوان‌ها، مقاومت بدن در برابر بیماری‌ها و حفظ وزن مناسب آنان بسیار مهم عنوان کرد.

وی با اشاره به شکل‌گیری بسیاری از رفتارها و باورهای تغذیه‌ای در دوران مدرسه، یادآور شد: کودکان و نوجوانان معمولا از والدین و همسالان الگو می‌گیرند و عادت‌های صحیح تغذیه‌ای در پیشگیری و کنترل بیماری‌های مرتبط با تغذیه در بزرگسالی و سلامت کودک در آینده نقش مهمی دارند.

به گفته فزونی، امتناع والدین از خوردن بعضی مواد غذایی باعث امتناع کودک و نوجوان از خوردن آن مواد می‌شود به طوری که کم‌کم بسیاری از مواد غذایی با ارزش، از برنامه روزانه کودک یا نوجوان حذف می‌شود.

این کارشناس تغذیه، نخوردن صبحانه را یکی از عادات نادرست تغذیه‌ای در سنین مدرسه عنوان کرد و گفت: چنانچه نخوردن صبحانه استمرار داشته باشد و تبدیل به عادت شود باعث کمبود دریافت مواد مغذی می‌شود که معمولا در وعده‌های غذایی دیگر جبران نخواهد شد.

وی افزود: علاوه بر اینکه صبحانه مغذی برای رشد و تکامل، تامین نیازهای تغذیه‌ای دانش‌آموزان و حفظ تمرکز دارای اهمیت ویژه است، درناشتایی‌های طولانی مدت، نگهداری قند خون در سطحی که مغز قادر به فعالیت طبیعی خود باشد، دشوارتر است و یادگیری و تمرکز فرد مختل می‌شود.

این کارشناس تغذیه با تاکید بر اینکه کودکان و نوجوانان باید سحرخیزی، نرمش صبحگاهی و خوردن صبحانه را در محیط خانواده یاد بگیرند، به والدین توصیه کرد صبحانه را به عنوان یک وعده غذایی مهم تلقی کرده و سعی کنند هر روز با فرزندان خود صبحانه میل کنند تا مشوقی برای کودک و نوجوان باشند. فزونی، یکی از دلایل نخوردن صبحانه توسط دانش‌آموزان را تکراری و یکنواخت بودن آن برشمرد و تاکید کرد: تنوع در صبحانه، دانش‌آموز را به خوردن صبحانه تشویق می‌کند.

وی با توصیه به تهیه صبحانه سالم و مقوی برای کودکان و نوجوانان پیشنهاد کرد: برای تنوع بخشیدن به صبحانه از غذاهایی مثل نان و تخم مرغ و گوجه فرنگی، نان و پنیر و گردو، شیر، شیربرنج، خرما، حلیم و عدسی به تناوب استفاده شود.

رئیس گروه تغذیه معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، به والدین توصیه کرد برای اینکه کودکان و نوجوانان اشتهای کافی به خوردن صبحانه داشته باشند شام زودتر صرف شود و در صورت امکان دانش‌آموز شب‌ها در ساعت معینی بخوابد تا بتواند صبح زودتر از خواب بیدار شود و وقت و اشتهای کافی برای خوردن صبحانه داشته باشد.

وی، اهمیت همراه داشتن میان‌وعده سالم را یادآور شد و گفت: همراه داشتن میان‌وعده‌های مناسب در مدرسه مانند یک عدد میوه شسته شده، یک لقمه کوچک از شام شب قبل (مثل کوکو)، نان و پنیر، تخم مرغ آب‌پز، شیر استریلیزه مقدار کمی نخودچی، کشمش یا چند عدد انجیر خشک و برگه زردآلو به دانش‌آموزان کمک می‌کند خسته نشوند و تمرکز بیشتری داشته باشند.

فزونی همچنین با اشاره به مزایای غذا خوردن در ساعت‌های مشخص، خاطرنشان کرد: رعایت نظم غذایی به دانش‌آموز کمک می‌کند تا الگوی طبیعی گرسنگی و سیری را پیدا کند و با تثبیت قند خون و بهبود خلق‌وخو، باعث شود کودکان و نوجوانان کمتر به سراغ خوراکی‌های شیرین و پرکالری بروند. وی از والدین خواست تا حد امکان، وعده‌های غذایی با حضور اعضای خانواده و در محیطی آرام صرف شود و والدین الگوی تغذیه سالم کودک باشند. این کارشناس تغذیه، استرس‌های مربوط به امتحانات را یکی از عوامل تاثیرگذار بر اشتهای دانش‌آموزان عنوان کرد و گفت: استرس می‌تواند موجب بی‌اشتهایی یا پرخوری در بعضی از افراد شود. عدم توجه به این موضوع و بی‌اشتهایی، مشکلاتی را در رشد کودک یا نوجوان ایجاد خواهد کرد، چنان که اشتهای کاذب سبب پرخوری و اضافه وزن در دانش‌آموزان می‌شود.

آب و هوا

هشدار نارنجی هواشناسی برای ۲۴ استان

بررسی مدل‌های هواشناسی از احتمال بارش‌های سنگین و وقوع سیلاب در برخی مناطق کشور خبر می‌دهد.

بر اساس هشدار نارنجی صادرشده از سوی سازمان هواشناسی امروز، یک‌شنبه اردبیل، نیمه شمالی آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی، گیلان، مازندران، گلستان، خراسان شمالی، خراسان رضوی، اصفهان، کرمانشاه، لرستان، جنوب کرمان، ارتفاعات هرمزگان و ارتفاعات زنجان، قزوین، البرز، تهران و سمنان تحت تاثیر فعالیت سامانه بارشی قرار خواهند گرفت.

در پی فعالیت این سامانه احتمال بالا آمدن آب رودخانه ها، آب گرفتگی معابر، جاری شدن روان‌آب، وقوع صاعقه، وزش باد شدید موقت، شکستن درختان کهنسال و فرسوده، خسارت به سازه های موقت و محصولات کشاورزی و سقوط سنگ در مناطق کوهستانی وجود دارد، لغزندگی جاده‌ها نیز از دیگر مخاطرات پیش بینی شده است. در مناطق شهری بارش های شدید در بازه زمانی کوتاه ممکن است ظرفیت شبکه جمع آوری آب های سطحی را تحت فشار قرار دهد و به آب گرفتگی معابر منجر شود.



فصل برداشت پسته در منطقه زرندیه.استان مرکزی

باغ ۱۵۰ هکتاری پسته در واحد پروین‌آباد، واقع در زرندیه استان مرکزی، در فصل برداشت تنها محل تولید محصول نیست؛ برای بسیاری از خانواده‌های منطقه، این روزها فرصتی برای کار و کسب درآمد است.

عکس: سجاد وثاق / ایسنا

اشتباه رایج درباره مسواک و دهان‌شویه

متخصص دندانپزشکی تاکید کرد دهان شویه تنها نقش کمکی دارد و به دلیل ناتوانی در پاک کردن پلاک، هرگز جایگزین مسواک نمی‌شود.

دهان شویه هرچند می‌تواند به بهداشت دهان و کاهش برخی میکروب‌های مضر کمک کند، اما نمی‌تواند جایگزین مسواک شود. دکتر شهرام مشرفیان، متخصص دندانپزشکی، با تاکید بر این موضوع می‌گوید دهان شویه‌ها نقش کمکی دارند و توانایی پاک کردن پلاک چسبیده به سطح دندان را ندارند. به گفته او، روی دندان‌ها به طور مداوم لایه‌ای میکروبی تشکیل می‌شود که به سطح دندان می‌چسبد و تنها مسواک با حرکت مکانیکی می‌تواند آن را از سطح دندان جدا کند. دهان‌شویه فاقد چنین حرکت مکانیکی است و بنابراین حتی اگر حاوی ترکیبات ضدمیکروبی یا فلوراید باشد، نمی‌تواند جای مسواک را بگیرد. توصیه عمومی این است که دندان‌ها روزانه دو بار و هر بار حدود دو دقیقه با خمیردندان حاوی فلوراید مسواک زده شوند و یکی از این دفعات پیش از خواب باشد. باقی ماندن پلاک روی دندان می‌تواند زمینه‌ساز پوسیدگی و بیماری‌های لثه شود.

مشرفیان همچنین درباره استفاده از دهان شویه در صبح می‌گوید این محلول می‌تواند بخشی کمکی از برنامه بهداشت دهان باشد، اما جای مسواک صبحگاهی را نمی‌گیرد؛ زیرا خمیردندان فلوراید‌دار علاوه بر پاک کردن پلاک، به پیشگیری از پوسیدگی کمک می‌کند. به گفته این متخصص، استفاده از دهان شویه بلافاصله پس از مسواک اشکالی ندارد، اما بهتر است پس از آن دهان شسته نشود و تا نیم ساعت نیز آب نوشیده نشود تا اثر دهانشویه حفظ شود. او با اشاره به انواع مختلف دهان شویه توضیح می‌دهد که برخی محصولات بیشتر برای سلامت دندان و برخی برای سلامت لثه کاربرد دارند. دهان شویه‌های فلوراید‌دار بیشتر برای کودکان و پیشگیری از پوسیدگی توصیه می‌شوند، در حالی که انواع حاوی کلرهگزیدین برای کمک به سلامت لثه در بزرگسالان کاربرد بیشتری دارند. انتخاب دهان‌شویه نیز باید بر اساس هدف استفاده، از جمله پیشگیری از پوسیدگی، کنترل التهاب لثه یا کاهش بوی بد دهان انجام شود.

سبک زندگی

اگر لنز می‌گذارید، این هفت اشتباه را هرگز انجام ندهید!

لنزهای تماسی برای بسیاری از افراد راهی راحت برای اصلاح دید هستند و گاهی هم با هدف زیبایی استفاده می‌شوند. اما کوچک بودن لنز نباید باعث شود مراقبت از آن را ساده و کم‌اهمیت بدانیم. لنز مستقیما روی سطح چشم قرار می‌گیرد و بی‌توجهی به بهداشت آن، استفاده طولانی‌تر از زمان توصیه‌شده یا تماس لنز با آب می‌تواند احتمال بروز مشکلات چشمی را افزایش دهد.

وقتی راحتی جای مراقبت را می‌گیرد

یکی از مشکلات رایج در استفاده از لنز این است که فرد پس از مدتی به حضور آن در چشم عادت می‌کند و ممکن است مراقبت‌های لازم را جدی نگیرد. برای مثال ممکن است کسی به دلیل خستگی با لنز به خواب برود، هنگام دوش گرفتن آن را از چشم خارج نکند یا محلول قدیمی داخل جالنزی را با محلول تازه مخلوط کند. این رفتارها شاید در همان لحظه مشکل خاصی ایجاد نکنند اما می‌توانند شرایط مناسبی برای تحریک یا عفونت چشم فراهم کنند.

کارشناسان توصیه می‌کنند افراد جز در شرایطی که پزشک استفاده شبانه از لنز را تایید کرده است، با لنز نخوابند. همچنین شستن و خشک کردن دست‌ها پیش از لمس لنز و رعایت برنامه تعویض لنز از عادت‌های مهم برای کاهش خطر عوارض چشمی است.

آب و لنز ترکیبی که باید جدی گرفته شود

شاید برای بعضی افراد عجیب باشد که آب لوله‌کشی برای شستن لنز مناسب نیست. مگر نه اینکه آب آشامیدنی برای مصرف انسان تصفیه شده است؟ مسئله اینجاست که آب آشامیدنی لزوما استریل نیست و می‌تواند حاوی میکروب‌هایی باشد که تماس آنها با لنز و سپس چشم، خطر عفونت را افزایش می‌دهد.

توصیه می‌شود لنزها هنگام دوش گرفتن، شنا یا استفاده از جکوزی از چشم خارج شوند. همچنین نباید لنز را با آب شست یا در ظرفی حاوی آب نگهداری کرد. تماس لنز با آب حتی می‌تواند باعث تغییر شکل یا چسبیدن لنز نرم به سطح چشم شود و در بعضی شرایط زمینه را برای آسیب سطح چشم و ورود میکروب‌ها فراهم کند.

شستن دست‌ها، ساده اما مهم

قبل از برداشتن یا گذاشتن لنز، دست‌ها باید با آب و صابون شسته و کاملا خشک شوند. این کار ساده یکی از پایه‌های مراقبت از لنز است. دست‌های خیس یا آلوده می‌توانند آلودگی را مستقیما به لنز و سپس چشم منتقل کنند.

خوابیدن با لنز، عادتی که نباید عادی شود

گاهی فرد بعد از یک روز طولانی، مهمانی یا سفر آن‌قدر خسته است که بدون خارج کردن لنز به خواب می‌رود. تکرار این اتفاق می‌تواند خطر عفونت چشم را افزایش دهد. حتی در مورد لنزهایی که برای استفاده طولانی طراحی شده‌اند، زمان و شیوه استفاده باید مطابق توصیه پزشک یا دستور محصول باشد.

محلول لنز را دوباره استفاده نکنید

جالنزی نیز بخشی از مراقبت از لنز است و نباید آن را نادیده گرفت. یکی از اشتباهات این است که محلول باقی‌مانده در جالنزی دور ریخته نشود و مقداری محلول تازه روی آن ریخته شود. این کار به اصطلاح «پر کردن دوباره» محلول، جایگزین تمیز کردن جالنزی و استفاده از محلول تازه نیست.

نکته دیگر این است که هر محلولی کاربرد یکسانی ندارد. برای نمونه محلول سالین یا سرم نمکی برای همه مراحل شست‌وشو و ضدعفونی لنز مناسب نیست و نمی‌توان آن را خودسرانه جایگزین محلول مخصوص لنز کرد. انتخاب و استفاده از محلول باید بر اساس نوع لنز و دستور پزشک یا شرکت سازنده باشد.

لنز را بیشتر از زمان تعیین‌شده استفاده نکنید

هر لنز برنامه مصرف مشخصی دارد. بعضی لنزها روزانه هستند و پس از یک بار استفاده باید دور انداخته شوند و بعضی دیگر طبق برنامه مشخصی تعویض می‌شوند. نگه داشتن لنز بیشتر از مدت توصیه شده با این تصور که هنوز سالم به نظر می‌رسد، کار درستی نیست.

همین موضوع درباره جالنزی نیز صدق می‌کند. ممکن است جالنزی از ظاهر تمیزی برخوردار باشد اما سطوح مرطوب آن می‌توانند محل مناسبی برای رشد میکروب‌ها باشند. رعایت زمان تعویض لنز و لوازم مربوط به آن، بخشی از مراقبت روزمره است.

لنزهای رنگی هم نیاز به مراقبت دارند

لنزهای رنگی و تزئینی گاهی بیشتر به عنوان وسیله زیبایی تا یک وسیله پزشکی دیده می‌شوند، در حالی که این لنزها نیز مستقیما با چشم در تماس هستند و رعایت نکردن اصول استفاده از آنها می‌تواند به مشکلات چشمی منجر شود.

قرمزی چشم همیشه یک خستگی ساده نیست

قرمزشدن چشم، احساس سوزش، اشک ریزش یا کمی ناراحتی ممکن است دلایل مختلفی داشته باشد، اما در فردی که لنز استفاده می‌کند نباید به سادگی از کنار آنها گذشت. درد چشم، قرمزی غیرمعمول، تاری دید، حساسیت به نور، ترشح یا افزایش اشک از نشانه‌هایی هستند که نیاز به توجه پزشکی دارند.

گاهی افراد در چنین شرایطی تنها لنز را خارج می‌کنند و دوباره پس از چند ساعت یا روز استفاده از آن را از سر می‌گیرند. در حالی که توصیه می‌شود در صورت بروز علائم غیرعادی، لنز خارج شود و فرد تا زمان دریافت نظر متخصص چشم، دوباره از لنز استفاده نکند.

چه زمانی مراجعه به چشم‌پزشک ضروری است؟

اگر فردی که لنز استفاده می‌کند با درد چشم، قرمزی قابل توجه، تاری دید، حساسیت به نور، اشک ریزش غیرعادی یا ترشح چشم روبه رو شود، بهتر است موضوع را جدی بگیرد و برای بررسی پزشکی اقدام کند. این علائم می‌توانند در برخی موارد نشانه عفونت یا مشکل دیگری در سطح چشم باشند و تشخیص علت آن به معاینه نیاز دارد.

در چنین شرایطی استفاده خودسرانه از قطره‌های چشمی نیز راه حل مناسبی نیست. به خصوص اگر فرد نمی‌داند علت قرمزی یا درد چیست، بهتر است ابتدا با متخصص چشم مشورت کند. برخی مشکلات چشمی با تاخیر در درمان می‌توانند جدی‌تر شوند.

#تجربه_کردم

از بزرگان شنیده‌م که عشق به انسان دیگه، «هدیه خدا» به دل بی‌ثبات آدمه... اگر به ما باشه، فوری خیال‌بافی می‌کنیم براش... از جشن ازدواج تا فرزندداری و غیره، تصور می‌کنیم...

و بعد، اگه جایی از مسیر، با تخیل ما نسازه، داغون می‌شیم!

اما دیده ها و شنیده هام می گن که خدا ـ غیر از شکل مرسوم عشق (که می شناسیمش) ـ از پیش آوردن عشق، منظورهای گوناگون دیگه‌ای هم داره انگار؛

گاهی می‌خواد باهاش آشنا شیم و انتخاب رو یاد بگیریم...

گاهی می‌خواد یخ دل ما رو به آفتاب عشق، آب کنه؛ برای عشقی مهم‌تر...

گاهی می‌خواد تودهنی بزنه به ادعای «من که عاشق نمی‌شم» ما!...

گاهی می‌خواد ما رو از گرداب توهم یه عشق آبکی قبلی (که هنوز گرفتارشیم) بیرون بکشه... و بفهمونه که «درست تر»ه، کدومه... بعد هم تموم شه همه چی!...

گاهی می‌خواد بفهمونه چقدر «مدعی» و بی‌عرضه‌ایم...

گاهی...!

سیدمحمد سادات‌اخوی / نشر پرنده

«آیفون ۱۸ پرو» در برابر «آیفون ۱۸ پرو مکس»؛ مقایسه نمایشگر و باتری

در حالی که بین دو مدل جدید معرفی شده آیفون‌های شرکت اپل تفاوت‌های معناداری جز در شاخصه‌های نمایشگر و باتری وجود ندارد، به بررسی این دو مورد می‌پردازیم.

جان ترنوس در نخستین حضور خود به عنوان مدیرعامل شرکت اپل، دستگاه های دیگری را نیز معرفی کرد. «آیفون ۱۸ پرو» و «آیفون ۱۸ پرو مکس» دو عضو جدید این خانواده هستند. مدل «پرو مکس» به یک ویژگی جذاب مجهز شده که غول فناوری کوپرتینو آن را «بزرگ‌ترین افزایش طول عمر باتری در تاریخ آیفون» می‌نامد.

با این حال، این دو گوشی تفاوت‌های بنیادینی با یکدیگر ندارند و تنها تفاوت اصلی آنها در اندازه نمایشگر است. مدل ۱۸ پرو مکس از نمایشگر ۶.۹ اینچی Super Retina XDR بهره می‌برد، در حالی که اندازه نمایشگر مدل ۱۸ پرو، ۶.۳ اینچ است.

هر دو گوشی به تراشه جدید Pro A۲۰ مجهز هستند؛ تراشه‌ای که اپل آن را «قدرتمندترین و بهینه‌ترین تراشه آیفون» تا به امروز می‌داند. این تراشه عملکردی بهبود یافته را چه در هنگام اجرای بازی‌ها و چه در انجام پردازش‌های پیچیده هوش مصنوعی که به‌وضوح یکی از محورهای اصلی تمرکز اپل بوده است، ارائه می‌دهد.

قابلیت‌های دوربین این دو گوشی نیز مشابه است و شامل سنسورهای ۴۸ مگاپیکسلی، زوم اپتیکال و دیافراگم متغیر می‌شود که امکان کنترل دستی و کیفیت بهتر تصویر در محیط‌های کم‌نور را فراهم می‌کنند.

از نظر ظاهری، هر دو مدل در چهار رنگ یکسان نقره‌ای، مشکی، «آبی یخچالی» (Glacier) و رنگ جذاب و لوکس «شرابی» (Burgundy)؛ رنگی که قطعا با رنگ خیره‌کننده و تند «نارنجی کیهانی» (Cosmic Orange) در نسل قبل تفاوت آشکاری دارد، عرضه می‌شوند.

به جز اندازه صفحه نمایش، باتری و اختلاف قیمت ۱۰۰ دلاری، تفاوت چندانی میان این دو گوشی هوشمند جدید وجود ندارد.

صرف‌نظر از اینکه کدام مدل را انتخاب کنید، هر دو گزینه نسبت به نسل‌های پیشین پیشرفت قابل توجهی داشته‌اند.



اتصال سخت‌افزارها به عامل هوش مصنوعی «Muse»

«متا» در پروژه جدید خود می‌خواهد سخت‌افزارهای اختصاصی کاربران را به عامل هوش مصنوعی «Muse» متصل کند.

عامل هوش مصنوعی «Muse» شرکت «متا» که کارهایی نظیر رزرو سفر، تکمیل فرم‌ها و خرید را به نیابت از کاربر انجام می‌دهد، پیشتر در میان عموم مردم محبوبیت یافته است اما یک پروژه جانبی جدید می‌تواند جذابیت ویژه‌ای را برای علاقه‌مندان به تنظیمات فنی و هکرها داشته باشد.

به نقل از تک کرانچ، این شرکت روز جمعه پروژه متن باز «Muse Gadgets» را معرفی کرد که به توسعه دهندگان امکان می‌دهد تا سخت‌افزار اختصاصی خود را بسازند که به Muse متصل می‌شود.

متا در حال ارائه میان‌افزار (نرم‌افزار سطح پایینی که دستگاه را راه می‌اندازد) و کیت توسعه نرم‌افزار «لینوکس» به صورت متن‌باز است و در کنار آن، ایده‌هایی برای پروژه‌ها ارائه می‌دهد تا کاربران بتوانند کار خود را آغاز کنند. از جمله این ایده‌ها می‌توان به تجهیز Muse به نمایشگر رنگی جوهر الکترونیک یا نصب آن روی دانگلی اشاره کرد که به پورت HDMI تلویزیون متصل می‌شود.

به نظر نمی‌رسد محدودیت‌های زیادی وجود داشته باشد. متا خاطرنشان کرد که کاربران می‌توانند یک رایانه ارزان‌قیمت مخصوص سرگرمی یا یک برد ESP۳۲ آماده را راه‌اندازی کنند و سپس Muse را به نمایشگرها، دکمه‌ها، حسگرها، عملگرها و هر چیز دیگری که روی میز کار است متصل کنند. همچنین، این شرکت یک کانال «دیسکورد» برای پشتیبانی از کاربران راه‌اندازی کرده است.

طبیعتا متا پیشتر خود این کد را آزمایش کرده است. نت فریدمن، مدیر محصول بخش «آزمایشگاه‌های ابرهوش» (Superintelligence Labs) متا در پست منتشرشده در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد که دستگاهی به نام «Muse Home Link» ساخته است. این دستگاه که با پورت USB-C تغذیه می‌شود، به Muse امکان می‌دهد تا به شبکه خانگی متصل شود و با دستگاه‌های هوشمند موجود در آن شبکه از جمله اسپیکرها و تلویزیون‌های هوشمند ارتباط برقرار کند.

شاید پروژه Muse Gadgets جذابیت گسترده‌ای نداشته باشد اما به خوبی با راهبرد فراگیر متا برای تبدیل Muse به چیزی فراتر از یک چت‌بات مستقل هم‌خوانی دارد. متا تنها به عرضه Muse برای کاربران عادی بسنده نمی‌کند؛ بلکه در تلاش است تا نظر کسب‌وکارهای کوچک و شرکت‌های بزرگ را نیز به خود جلب کند.

